



جایگاه رساله ابدال الأدویه رازی در سنت داروشناسی و داروسازی دوره اسلامی

پدیدآورده (ها) : کرامتی، یونس

تاریخ :: تاریخ علم :: بهار و تابستان 1392 - شماره 14 (علمی-پژوهشی/ISC)

از 75 تا 122

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1092476>

دانلود شده توسط : احسان رمضانی

تاریخ دانلود : 05/07/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

جایگاه رساله ابدال الأدوية رازی در سنت داروشناسی و داروسازی دوره اسلامی

یونس کرامتی

استادیار، پژوهشکده تاریخ علم، دانشگاه تهران

ykaramati@ut.ac.ir

(دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۱۵، پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۸)

چکیده

سابقه توجه پزشکان و داروشناسان به ابدال (جایگزینی) داروهای ساده با داروهای دیگر دست کم به سده یکم میلادی و اشارات پراکنده دیوسکوریدس در ماتریا مدیکا (در متون دوره اسلامی: هیولی الطب یا الحشائش) بازمی‌گردد. اما کهن‌ترین سیاهه‌ای که از داروهای قابل جایگزینی با یکدیگر به دست آمده، فصل بیست و پنجم از مقاله هفتم کُنْاش پاولوس آگینایی (بولس اجانیطی) است که در میانه سده هفتم میلادی و بر اساس دیدگاه‌های جالینوس (۱۲۹- ح ۲۱۶ م) پدید آمده است. گویا پزشکان دوره اسلامی توجه بیشتری به موضوع ابدال ادویه داشته‌اند و تکنگاری‌هایی نیز در این باره نوشتند. در این مقاله نشان داده می‌شود که از میان این آثار، روایتی عربی از متنی منسوب به داروشناسی به نام بدیغورس و رساله ابدال رازی تأثیری چشمگیر بر تقریباً همه آثار داروشناسی دوره اسلامی، تا سده ۱۲ ق، داشته‌اند و البته رساله رازی به نوبه خود سخت تحت تأثیر رساله بدیغورس بوده است.

کلیدواژه‌ها: ابدال الأدوية، الاعتماد فی الأدوية المفردة، ابن بیطار، ابن جزار، ابن سمجون، ابن ماسویه، ابوریحان بیرونی، بدل، بدیغورس، جامع الأدوية المفردة، الجامع لمفردات، جایگزینی داروهای ساده، رازی، الصيدنه

درآمد

شناخت جایگزین (بَدَل، جمع آن: ابدال) داروهای ساده (ادویه مفرده) و قوانین جایگزینی (ابدال) آنها، از نظر پزشکان، داروشناسان و داروسازان روزگاران پیشین اهمیت بسیار داشت. زیرا چه بسا پزشک برای درمان بیماری، یا داروساز برای ساختن دارویی که پزشک تجویز کرده بود، به داروی ساده‌ای نیاز داشت که در ناحیه‌ای خاص یا فصل خاصی از سال نایاب بود، و اگر از بدل آن داروی استفاده نمی‌کرد، از عهده درمان بیماری بر نمی‌آمد. گویا کهن‌ترین نمونه‌های یادکرد «بدل» برای داروهای ساده، اشارات کم‌شمار و پراکنده دیوسکوریدس (سده یکم میلادی)، گیاه-داروشناس نامدار یونانی در کتاب مشهورش ماتریا مدیکا است (برای نمونه‌هایی از آن نک: اصططن، ۱۰/۱ | قسیا، ۷۰/۱ | سخینس، ۹۴/۱ | مریقی). جالینوس پزشک نامدار یونانی (۱۲۹- ح ۲۱۶ م) نیز در آثار خود، گهگاه اشارات پراکنده‌ای به بدل برخی داروها داشته است که داروشناسان دوره اسلامی، در آثار خود به این بدل‌ها استناد کرده‌اند. در منابع مختلف نگارش رساله‌ای مستقل درباب ابدال ادویه به جالینوس منسوب است و امروزه روایت لاتینی آن در دست است و گویا زمانی روایتی عربی نیز از آن رواج داشته است.^۱ اما انتساب این رساله به جالینوس درست نمی‌نماید. بهترین دلیل بر این مدعا آنکه پاولوس آیگینیایی (۶۲۵-۶۹۰ م)، پزشک و داروشناس عصر یونانی مآبی که نامش در مآخذ دوره اسلامی به صورت مُعَرَّب بولس/فولس اجانیطی آمده، هنگامی که می‌خواسته دیدگاه‌های جالینوس را درباره جایگزینی داروها به عنوان پیوست بر کنش خود بیفزاید، رساله‌ای مستقل از وی نیافته و همچنان که خود تأکید کرده، بدل‌ها را از آثار مختلف جالینوس گرد آورده و عنوان آخرین فصل کنش خود (فصل ۲۵ از کتاب هفتم) را چنین انتخاب کرده است (Paulus Aegineta, VII: xv):

درباره داروهایی که می‌توان یکی را جایگزین دیگری کرد، [برگرفته] از آثار جالینوس

پاولوس در ادامه داستانی را از جالینوس روایت می‌کند که در آن بر اهمیت بسزای جایگزینی داروها تأکید شده است:

۱. در منابع مختلف تنها به یک دست‌نویس عربی (رساله سوم از مجموعه شماره ۸۸۳ کتابخانه سلیم آغا در استانبول) از رساله ابدال ادویه جالینوس اشاره شده است. اما این دست‌نویس نسخه‌ای از ابدال رازی است.

جالینوس، آن هنگام که در اسکندریه بود گفت: برای زنی که زندگی اش در خطر بود، در پی یافتن دارویی بودم که نتوانستم بدان دست یابم و اگر بزرگ اقانیطون را نمی‌یافتم و به جای آن به کار نمی‌بردم آن زن به زودی از دست می‌رفت. از این رو، من به خواهش همکاران سیاهه‌ای از داروهایی که یکی را به جای دیگری می‌توان به کار برد فراهم آورده‌ام ...

ظاهراً ضمیر «من» در عبارت « از این رو، من به خواهش همکاران ...» موجب شده است که شماری از داروشناسان دوران کهن به گمان آنکه مرجع ضمیر، همچنان «جالینوس» است، رساله‌ای در ابدال به او نسبت دهند. اما چنین تصویری با عنوانی که پاولوس برای این فصل برگزیده سازگار نمی‌نماید. در نتیجه باید مرجع ضمیر «من» را خود پاولوس گرفت. در هر صورت این فصل از کناش پاولوس کهن‌ترین متنی است که در آن سیاهه‌ای از داروهای جایگزین یکجا آمده است.

با ظهور اسلام و گسترش آن از اسپانیا و مغرب تا شبه قاره هند، و همزمان با آن ترجمه آثار داروشناسی یونانی به عربی و سریانی، موضوع شناسایی داروهای جایگزین اهمیتی به مراتب بیشتر یافت. زیرا از یک سو، مترجمان این آثار، حتی آنان که خود در داروشناسی زبردست بودند، بسیاری از داروهای یاد شده در نوشته‌های یونانی را نمی‌شناختند یا دست کم در تطبیق آن با نام‌های شرقی این داروها تردید داشتند. بسیاری از این داروها نیز بومی کناره‌های دریای مدیترانه بود و در اقلیم غالباً خشک بیشتر سرزمین‌های اسلامی، به ویژه سرزمین‌های شرق جهان اسلام، نمی‌روید. از سوی دیگر در همین سرزمین‌های شرقی، به ویژه در اقلیم بسیار متنوع ایران و شبه قاره هند، که تنوع گونه‌های گیاهی آن امروزه نیز شگفت می‌نماید، گیاهان دارویی بسیاری می‌روید که پزشکان و گیاه-داروشناسان این سرزمین‌ها آنها را به کار می‌گرفتند اما یونانیان نامی از آنها نشنیده بودند. در نتیجه لازم بود برای شماری از داروهای ساده ناشناخته یا سخت‌یاب، که در نسخه داروهای مرکب آثار یونانی آمده بودند، جایگزین‌هایی شناخته شده و آسان‌یاب معرفی شود. محمد بن زکریای رازی با توجه به همین اهمیت بر آن بود که شایسته است در نوشته‌ای مستقل (تکننگاری)^۱ به جایگزینی داروها پرداخت (رازی، ابدال الادویه، مقدمه) و خود یکی از کهن‌ترین تکننگاری‌ها را درباره آن نوشت. بسیاری از نامدارترین داروشناسان دوره اسلامی

نیز، تک‌نگاری‌هایی در این باره از خود برجای گذاشتند که متأسفانه برخی از آنها، همچون رساله‌های ابدال ابن ماسویه (د ۲۴۳ق) و اسحاق بن عمران (د ۲۷۹ق) از میان رفته‌اند و تنها به واسطه آثار دیگر، به ویژه رساله ابدال رازی، الاعتماد فی الادویه المفردة ابن جزار (د ۳۶۹ق) و الجامع لمفردات ابن بیطار (د ۶۴۶ق) کمابیش با محتوای آنها آشنا هستیم. مبحث ابدال ادویه همچنین یکی از محورهای مهم دو اثر اخیر و بسیاری دیگر از آثار داروشناسی دوره اسلامی بوده است که در این پژوهش تقریباً از همه آثار مهم برجای مانده در این موضوع، بهره کافی گرفته شده است.

رساله ابدال رازی

بیرونی در فهرستی که از آثار رازی فراهم آورده نام این اثر را به اختصار کتاب الأبدال آورده و ابن ابی اصیبعه در عیون الانباء آن را مقالة فی أبدال الأدوية المستعملة فی الطب و العلاج و قوانینها و وجه استعمالها نامیده است. ساختار این اثر الفبایی است و مداخل نیز همگی به جز یک مورد داروهای مفرد هستند. شمار داروها در دست‌نویس‌های مختلف متفاوت است اما پس از مقایسه این دست‌نویس‌ها می‌توان گفت که شمار آنها ۱۲۵ بوده است.^۱

درباره رساله ابدال الادویه رازی، به رغم اهمیت ذاتی و تاریخی، تا چندی پیش پژوهشی جدی صورت نگرفته و در نتیجه جایگاه آن در سنت داروشناسی و داروسازی دوره اسلامی روشن نشده بود. مارتین لوی با استفاده از یک نسخه کهن اما بسیار مغلوپ و مغشوش این رساله، ترجمه‌ای انگلیسی از این رساله فراهم آورده بود که همراه با ترجمه انگلیسی دو تک‌نگاری دیگر در این موضوع (رساله‌های ابدال ماسرجویه و بدیغورس) یک سال پس از مرگ وی منتشر شد.^۲ در سال ۱۹۹۹ میلادی نیز انجمن متن عربی رساله رازی را همراه با ترجمه و شرح انگلیسی منتشر ساخته است که متأسفانه سرشار از سهل‌انگاری و اشتباهات ریز و درشت است.

رازی در مقدمه این رساله پس از برشمردن موضوع ابدال ادویه به عنوان یکی از شاخه‌های مهم پزشکی، که شایسته است کتابی مستقل در باب آن نوشته شود، آورده است که چون می‌خواسته این رساله را بنگارد، بنابر روش معمول خود، همه آثار را

۱. متن مصحح این رساله در ضمن پایان‌نامه دکترای یونس کرامتی (نگاه کنید به مآخذ پایانی) آمده است.

2. Levy, M, *Substitute Drugs in Early Arabic Medicine, with Special Reference to the Texts of Māsarjawaih, al-Rāzī, and Phytagoras*, Stuttgart, 1971, pp 47-62.

که پیشینیان در این باب نوشته بوده‌اند خواننده، اما از میان این آثار هیچ کتابی را ندیده است که بر روشی علمی یا نزدیک به روش علمی («طریق صناعی» او قریب من الطريق الصناعي) استوار باشد، مگر کتابی که حنین بن اسحاق از مقاله جالینوس در ابدال، «جامع» اوریباسیوس و دو «جامع» قدیم و جدید بولس اجانیطی فراهم آورده است و از این حیث حنین را برتر از همه پیشینیان خود دانسته است. جز آنکه به نظر رازی، سودمندی کتاب او از وجوه متعدد بیش از سودمندی کتاب حنین است و به همین دلیل شایسته ندیده است که بیش از این [نگارش] کتابش را به تأخیر اندازد. رازی قوانین ابدال داروها را به نقل از کتاب الادویه المقابلة للأدواء جالینوس چنین آورده است^۱:

هرگاه نیاز شد که دارویی ساده بکار بری و چیزی سودمند از آن نیافتی، و سپس از جنسی پست مقداری بیش‌تر (در متن: ضعیف، که به معنی دو یا چند برابر است) به کار بردی زیانش نیز [به همان نسبت] بیشتر خواهد شد. اما اگر نیاز شد که دارویی بسازی و از یکی از اجزای آن جنسی خوب نیابی و از جنس پست‌تر مقداری بیشتر به کار بری اثر این جزء در داروی مرکب کاهش نخواهد یافت.

در واقع رازی به پیروی از جالینوس بر آن است که زیان جایگزینی یک جزء از داروی مرکب کمتر از زیان جایگزینی یک داروی ساده با داروی ساده دیگر است.

منابع رساله ابدال رازی

رازی، به رغم ستایش بسیار از رساله حنین، در متن این رساله هرگز از او یاد نکرده است. شمار استنادهای او به پزشکان دیگر (به جز مقدمه) بدین قرار است:

ابن ماسویه: ۱۶ بار؛ ذیل اکتمکت، جندبیدستر، جاوشیر، دارصینی، دهن السوسن، هیوفقسطیداس، زرنباد، زوفا رطب، کمادریوس، لُبْنی، مرّ، ساذج هندی، فلفل ابیض (و اسود)، صبر، قسط، خربق اسود؛ و دو ارجاع مشکوک ذیل دارشیشعان و هشت دهان

آثار مختلف جالینوس: ۱۲ بار؛ ذیل دارصینی، دهن الخروع، دهن الغار، زیت، لاغیه، نعن، سکبینج، ساذج هندی، عقص، فربیون، فو، تفسیا.

۱. این متن در دانشنامه جهان اسلام، ۵۲۱/۲، به واسطه ترجمه انگلیسی مغلوپ لوی، با خطاهایی فاحش ترجمه شده است.

بولس: ۱۰ بار؛ ذیل افسنتین، جنطیانا، حجر فروغیا، مشکطرامشیع، مو، [حب] فنیدیس، قردمانا، قنه شیطرج، غار. از این میان ذیل قنه چون دو نقل قول پیایی از بولس بوده است به ذکر «قال» بسنده کرده و نام بولس را نیاورده است.

بدیغورس: ۷ بار؛ ذیل بلاذر، دهن البلسان، دفلی، زعفران، حب البان، عود البلسان، فاوانیا. از این میان ذیل دفلی چون دو نقل قول پیایی از بدیغورس بوده است به ذکر «قال» بسنده کرده و نام بدیغورس را نیاورده است.

دیوسکوریدس: ۲ بار ذیل دارصینی و سلیخه.

ماسرجویه: ۱ بار ذیل زرنب.

جدول زیر سه مأخذ اصلی رازی و میزان بهره‌گیری او از هر یک از آنها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مداخل رساله رازی و بهره‌گیری آن از سه مأخذ اصلی

رساله رازی		بدیغورس		ابن ماسویه	بولس
شماره	مدخل	مدخل	ارجاع	ارجاع	ارجاع
۱	اکتمکت	-	-	۱	
۲ب ۱	افسنتین	=		۰	
۲ب ۲	افسنتین	=		۰	۱
۲ب ۳	افسنتین	=	۳	۰	
۳	اسطوخودوس	-	-		
۴	اشنة	-	-	۳	
۵	اسارون	=	۴	۰	
۶	اشق	-	-		۳
۷	ابهل	=	۳		
۸	انداهیمن /انداسمان/انداهمان	=	۳		
۹	آزادریخت	=	۳	۰	

رساله رازی		بديغورس		ابن ماسويه	بولس
شماره	مدخل	مدخل	ارجاع	ارجاع	ارجاع
۱۰	ايرسا	=	۳		
۱۱	افدر	=	۳		
۱۲	افتيمون	=	۴		
۱۳	اصابع صفر	=	۳		
۱۴	بلاذر	=	۱		
۱۵	بسفايج	بسبايج	۴		
۱۶	بهمن	=	۰		
۱۷	بذشكان	=	۵	۰	
۱۸	برنجاسف	برنجاسب	۳		
۱۹	باذرنجيوه	كروان	۳		
۲۰	برسياوشان	=	۵		
۲۱	باذاورد	=	۵		
۲۲	جندبيدستر	-	-	۱	
۲۳	جاوشير	-	-	۱	
۲۴	جوز الطيب	-	-	۰	
۲۵ب۱	جنطيانا	=			۱
۲۵ب۲	جنطيانا	=	۵		
۲۶	جدوار	=	۳		
۲۷	جعدة	=	۳		
۲۸ب۱	دارصيني	=	۰		
۲۸ب۲	دارصيني	=	۰		

رسالة رازی		بديغورس		ابن ماسويه	بولس
شماره	مدخل	مدخل	ارجاع	ارجاع	ارجاع
۲۸ب۳	دارصینی	=	°	۱	
۲۸ب۴	دارصینی	=	°		
۲۸ب۵	دارصینی	=	°		
۲۹ب۱	دارشیشغان	دارشیشغان		۱	
۲۹ب۲	دارشیشغان	دارشیشغان	۳		
۳۰	دهن البلسان	=	۱	°	°
۳۱	دفلی	=	۲		
۳۲	درونج	=	۳	°	
۳۳	دواء القسط	-	-		
۳۴	دهن الخروج	-	-		
۳۴ب۲	دهن الخروج	-	-		
۳۵	دهن القرطم	-	-		
۳۶	دهن الغار	-	-	°	
۳۷	دهن السوسن	-	-	۱	
۳۸	دهن الحنا	-	-	۳	
۳۹	دهن الورد	-	-		
۴۰	دبق	=	°		
۴۱	دهن النیلوفر	-	-		
۴۲	هیوفقسطیداس	-	-	۱	
۴۳	هال	-	-		
۴۴	هشت دهان	=	۳	۱	

رساله رازی		بدیغورس		ابن ماسویه	بولس
شماره	مدخل	مدخل	ارجاع	ارجاع	ارجاع
۴۵	هزارکشان	=	۴		
۴۶	هیوفاریقون	هوفاریقون	۳		
۴۷	وج	=	۰		
۴۸	ورد	-	-		
۴۹	زیت	-	-		
۵۰ب۱	زرنباد	=		۱	
۵۰ب۲	زرنباد	=	۳		
۵۱	زوفارطب	-	-	۱	
۵۲	زعفران	=	۱		
۵۳	زرین درخت	=	۴	۰	
۵۴	زراوند طویل	=	۳	۰	
۵۵	زراوند مدور	=	۳	۰	
۵۶	زرداسفرم	=	۴		
۵۷ب۱	زرنب	-	-		
۵۷ب۲	زرنب	-			
۵۷ب۳	زرنب	-			
۵۸	حماما	=	۰		
۵۹	حجر فروغیا	-	-		۱
۶۰	حب البان	حب البلسان	۱		
۶۱	حب الخروج	=	۰		
۶۲	حب النیل	=	۳		

رسالة رازی		بديغورس		ابن ماسويه	بولس
شماره	مدخل	مدخل	ارجاع	ارجاع	ارجاع
۶۳	حافر	سیسالیوس	۴		
۶۴	حضض	=	۵		
۶۵	طراثيث	=	۴	°	°
۶۶	یتوعات	=	۵		
۶۷	کاسکینج	-	-		
۱۶۸ب	کمداریوس	=		۱	
۲۶۸ب	کمداریوس	=	۵		
۶۹	کحل	-	-		
۷۰	کندش	کندس	°		
۷۱	کرکروهن	کرکروهان	°		
۷۲	کمافیطوس	=	۳		
۱۷۳ب	لبنى	-	-	۱	
۲۷۳ب	لبنى	-	-	۲	
۷۴	لؤلؤ	-	-		
۷۵	لاغية	-	-		
۲۷۵ب	لاغية	-	-		
۷۶	لسان العصفير	=	۵		
۷۷	مرّ	=	°	۱	
۷۸	مشکطرامشيع	-	-	°	۱
۷۹	مو	-	-		۱
۸۰	نعنن	-	-		

رساله رازی		بدیغورس		ابن ماسویه	بولس
شماره	مدخل	مدخل	ارجاع	ارجاع	ارجاع
۸۱	نارمشک	=	°		
۸۲	ناردین	-	-		
۸۳	سکبینج	=	°		
۸۴	سلیخه	-	-		
۱۸۵ب۱	ساذج هندی	-	-	۱	
۲۸۵ب۲	ساذج هندی	-	-		
۸۶	سنبل	-	-	°	°
۸۷	سرو	=	۳		
۸۸	سوس	=	°		
۸۹	سورنجان	=	۳		
۹۰	سیاه‌دوران	=	۳		
۹۱	عاققرحا	=		°	
۲۹۱ب۲	عاققرحا	=	۴	°	
۹۲	عقص	=	°		
۹۳	عود البلسان	=	۱		
۹۴	عوسج	=	۳		
۹۵	عروق	عروق صفر	۳		
۹۶	عرطینثا	آذربوه	°		
۹۷	فربیون	=	°	°	
۲۹۷ب۲	فربیون	=	°	°	
۹۸	فلفل ابیض	-	-	۱	

رسالة رازی		بدیغورس		ابن ماسویه	بولس
شماره	مدخل	مدخل	ارجاع	ارجاع	ارجاع
۹۹	فلفل اسود	-	-	۳	
۱۰۰	فو	-	-		
۱۰۱	فنیدیس	-	-		۱
۱۰۲	فاوانیا	=	۱	۰	
۱۰۳	فوفل	=	۵		
۱۰۴	فلفلمویه	=	۳	۰	
۱۰۵	فراسیون	=	۳		
۱۰۶	صبر	-	-	۱	
۱۰۷	قسط	-	-	۱	
۱۰۸ب۱	قردمانا	=	۰		
۱۰۸ب۲	قردمانا	=	۰		۱
۱۰۹	قنه	بارزد	۰		۲
۱۱۰	قاقة	-	-	۰	
۱۱۱	قصب	=	۳		
۱۱۲	راوند	راوند صینی	۴		
۱۱۳	شاهبانک	-	-		
۱۱۴	شیطرج	-	-		۱
۱۱۵	شقاقل	بوزیدان	۳		
۱۱۶	شاهترج	=	۳		
۱۱۷	تقسیا	-	-		
۱۱۸ب۱	تامول	=	۵		

رساله رازی		بدیغورس		ابن ماسویه	بولس
شماره	مدخل	مدخل	ارجاع	ارجاع	ارجاع
۱۱۸ ب ۲	تامول	=	۵		
۱۱۹	خولنجان	-	-	°	-
۱۲۰	خیارشنبیر	=	۵		
۱۲۰ ب ۲	خیارشنبیر	=	°		
۱۲۱	خربق اسود	=	۳		
۱۲۱	خربق اسود	=		۱	
۱۲۲	خسرودارو	=	۳		
۱۲۳	غار	-	-	°	۱
۱۲۴	غاریقون	=	۳	°	
۱۲۵	غافت	=	۴		

مفهوم اعداد ستون ارجاعات: ۱=ارجاع با نام؛ ۲=ارجاع با عبارت قال؛ ۳=بهره‌گیری بدون ارجاع (بدل‌ها در رساله رازی و مأخذ یکسان هستند)؛ ۴=بهره‌گیری بدون ارجاع (تفاوت بدل‌ها در رساله رازی و مأخذ احتمالاً ناشی از اشکالات ناشی از دست‌نویس‌های یکی از دو متن است)؛ ۵=بدل‌ها شباهت دارند ولی تفاوت آنها را نمی‌توان به اشکالات متنی نسبت داد.

بدیغورس

از میان منابع رازی، رساله ابدال بدیغورس شایسته توجه بیشتر است. این رساله که نام کامل آن در دو دست‌نویس شناخته شده آن «کتاب بدیغورس الفیلسوف فی ابدال الأدویه المفردة والاشجار والصموغ والطين ترجمة ابي زيد حنین بن اسحق» آمده، نوشته داروشناس ناشناسی به نام بدیغورس است که درباره هویت و روزگار زندگی او تردیدهای بسیار وجود دارد. روزگار پیدایش روایت عربی را می‌توان میانه سده ۳ ق دانست اما متن عربی این اثر از نظر واژگان داروشناسی (به ویژه در نام داروها) تفاوت چشمگیری با ترجمه‌های حنین بن اسحاق و شاگردانش دارد و نمی‌توان روایت عربی را به آنان نسبت داد. حتی بعید نیست که روایت عربی، در واقع تألیفی باشد که برای رواج بیشتر به نامی ساختگی همچون بدیغورس (که ممکن است

مخاطب آن را صورت معرب محرف پوثاگوراس/فیثاغورس یونانی انگارد)، منسوب شده و مترجمی نامدار همچون حنین بن اسحاق، به عنوان مترجم متن مفروض یونانی به عربی معرفی شده باشد (برای تفصیل بیشتر، نک: کرامتی، ۱۳۸۱).

مقایسه مدخل‌های ابدال بدیغورس و رازی

از مقایسه عنوان ۱۲۵ مدخل رساله رازی و ۱۶۹ مدخل رساله بدیغورس (از این میان ۶ مدخل ضمن مداخل دیگر آمده‌اند) می‌توان دریافت که:

۱. ۸۴ مدخل رساله بدیغورس (۵۱٪) در رساله رازی نیامده است.
۲. ۴۶ مدخل ابدال رازی (۳۷٪) در رساله بدیغورس نیامده است (از جمله همه روغن‌ها مگر دهن البلسان).

۳. ۷۳ مدخل میان این دو رساله مشترک هستند (۵۸٪ مدخل‌های ابدال رازی = ۴۵٪ مدخل‌های ابدال بدیغورس):

۳-۱. ۶۵ مدخل رساله بدیغورس دقیقاً با همان ضبط در رساله رازی آمده است.
۳-۲. ۶ مدخل بسفایج، برنجاسف، دارشیشغان، هیوفاریقون، کندش، کرکروهن در رساله رازی، صورت‌های رایج دیگری (بعضاً رایج‌تر) از مدخل‌های بسبایج، برنجاسب، دارشیشغان، هوفاریقون، کندس، کرکروهان در رساله بدیغورس هستند.

۳-۳. دو مدخل «العروق الصفر» و «الراوند الصینی» بدیغورس در رساله رازی به صورت «عروق» و «راوند» آمده است.

۴. ۶ مدخل رازی عملاً همان مدخل‌های رساله بدیغورس هستند (۵٪ مدخل‌های ابدال رازی = ۴٪ مدخل‌های ابدال بدیغورس) اما به دلایل زیر در ضبط یا گزینش مدخل تفاوت‌هایی وجود دارد:

۴-۱. سه مدخل کروان، آذربوه و بارزد رساله بدیغورس، در رساله رازی با نام‌های دیگرشان یعنی باذرنجبویه، عرطنیثا و قنه آمده‌اند که از این میان بدل باذرنجبویه همان بدلی است که بدیغورس برای کروان (= باذرنجبویه) آورده است اما نامی از او نمی‌برد.

۴-۲. دو مدخل حافر و شقاقل ابدال رازی همان مدخل‌های سیسالیوس و بوزیدان رساله بدیغورس هستند با این تفاوت که رازی آنچه را که بدیغورس به

عنوان بدل یاد کرده، به عنوان مدخل انتخاب کرده و مداخل بدیغورس را به عنوان بدل آنها یاد کرده است (داروی اصلی و بدل جابه‌جا شده‌اند).
۳-۴. رازی مدخل حب البلسان بدیغورس را، چنان که خواهد آمد، به اشتباه «حب البان» پنداشته است.

مقایسه بدل‌های یادشده در ابدال بدیغورس و رازی

رازی ذیل ۱۲۵ مدخل در مجموع از ۱۴۷ بدل یاد کرده است. بدیغورس نیز مجموعاً ۱۷۰ بدل برای ۱۶۹ مدخل آورده است (فقط مرّ ۲ بدل دارد). حاصل مقایسه این بدل‌ها بدین قرار است:

۱. رازی ۷ بار، ۶ بار ذکر نام و ۱ بار با عبارت «قال»، به بدیغورس استناد کرده است (مدخل‌ها پیشتر یاد شدند). این موارد در جدول در ستون مربوط به بدیغورس به ترتیب با شماره‌های ۱ و ۲ مشخص شده‌اند.
۲. بدلی که رازی ذیل هشت‌دهان از ابن ماسویه نقل کرده همان بدل بدیغورس است (نک ذیل ابن ماسویه در ادامه مقاله).
۳. ۳۳ بدل از بدل‌های رازی بی‌گمان همان بدل‌های بدیغورس هستند (در جدول با شماره ۳ مشخص شده‌اند) اما رازی هیچ اشاره‌ای به بدیغورس ندارد. در بسیاری از این گونه موارد، رازی در الحاوی در مورد خواص این داروها به بدیغورس استناد کرده که نشانه توجه رازی به این مدخل‌ها است. در شماری از این مدخل‌ها گاه رازی هنگام یادکرد بدل‌ها نام برخی داروها را با نام‌های رایج‌تر آنها جایگزین کرده است (همچنان که در مداخل نیز چنین کرده است).
۴. ۱۱ بدل از بدل‌های رازی شباهت بسیار به بدل‌های بدیغورس دارند (با شماره ۴ در جدول مشخص شده‌اند) و گمان می‌رود که علت اختلاف میان دو رساله ابدال اشکالات متنی باشد (به تفصیل خواهد آمد).
۵. ۱۲ بدل (ذیل ۱۱ مدخل) از بدل‌های رازی به بدل‌های بدیغورس شباهت دارند اما تفاوت‌ها به نظر ناشی از اختلاف نظر رازی (یا یکی از منابع او) با بدیغورس است و نمی‌توان آنها را به اشکالات متنی نسبت داد.
۶. ۲۴ بدل (ذیل ۱۸ مدخل) از بدل‌های رازی هیچ شباهتی به بدل‌های بدیغورس ندارند. در این موارد رازی ۷ بار به جالینوس، ۲ بار به بولس، ۲ بار به ابن ماسویه، ۱ بار به دیوسقوریدس، ۱ بار به فردی که در همه دست‌نویس‌ها نامش به

صورت مخدوش «دله» آمده است، و یک بار (ذیل خیار شنبی) به «مردمان» ارجاع می‌دهد و ذیل ۱۰ مدخل نیز از هیچ کس نام نمی‌برد.

۷. ۵۲ بدل نیز ذیل ۴۶ مدخلی آمده است که بدیغورس بدان‌ها توجه نداشته است (سه بدل برای زرنب، دو بدل برای دهن الخروج، لبنی، لاغیه و سازج هندی و یک بدل برای هریک از ۴۱ مدخل دیگر).

بدیغورس در رساله ابدال خود غالباً شرح هر مدخل را با «خاصه» هر دارو آغاز و سپس بدل آن را یاد می‌کند. رازی هنگام بهره‌گیری از رساله بدیغورس چند روش در پیش گرفته است.

۱. تکرار ساختار عبارت بدیغورس با یکی دو کلمه کم یا بیش فقط دو مورد:

مثال‌های «افدر» و «شاهترج»

۲. تغییر در ساختار جمله و تبدیل آن به صورت جمله‌ای مانند «بدله فی ... (=خاصیت)، ... (بدل)»

۳. حذف خاصیت و فقط نقل بدل (در بسیاری از این موارد، رازی در الحاوی همین خاصیت را از بدیغورس نقل کرده است).

شواهدی از یکسانی بدل‌های رازی و بدیغورس

در این جا فقط به ذکر چند نمونه بسنده می‌شود. در همه نمونه‌ها نخست متن رساله رازی (بر اساس تصحیح نگارنده) و سپس بدل‌های مشابه (که غالباً برگرفته از ابدال رازی است) از دیگر متون داروشناسی دوران اسلامی نقل می‌شود و سپس در بیشتر موارد درباره علت تفاوت‌های متنی بحث می‌شود. چنانکه می‌بینیم، نام نبردن رازی از بدیغورس موجب شده است در مواردی پرشمار داروشناسان بعدی، همچون ابوریحان و ابن بیطار بدلی را که در اصل از آن بدیغورس بوده است از آن رازی بدانند و به او استناد کنند. در مورد منقولات ابن سینا که در آن به نام صاحبان آراء اشاره نشده است، دنباله مقاله را ببینید.

۱. افسنتین

۱-۱. رازی، شماره ۲: افسنتین؛ بدله من الجعدة مثله. قال بولس بدله الشیخ

الارمني وبدله فی تقوية المعدة وتفتیح السدد وزنه اسارون ونصف وزنه اهلیج اسود.

۲-۱. بدیغورس، بند ۴-۲: الافستین؛ خاصته تقوية المعدة وقطع مافيها من

الفضول وتفتيح السدد وبدله وزنه اسارون ونصف وزنه هليلج اسود.

۳-۱. الاعتماد، گ ۳ ب س ۱۳ | افستین: «وزعم بعض الأطباء أن بدل وزن درهم افستین وزن درهم ونصف من الجعدة وقال بدیغورس [في الأصل:

ديسقوريدس]: وبدله وزنه اسارون ونصف وزنه هليلج اسود.»

۴-۱. القانون، ۲۴۵/۱ س ۱۱ | افستین: «بدله مثله جعدة أو شيخ أرمني وفي

تقوية المعدة مثله أسارون مع نصف وزنه هليلج.»

۵-۱. الصيدنة، ۷۶ | افستین: «قال بولس بدله الشيخ الارمني. وقال الرازي

بدله من الجعدة مثله. وقال ابن ماسوية: بدل الافستین الفارسي الفوذنج

وفي الأدوية الكبد السنبل. وقيل ان بدله في تقوية المعدة وتفتيح السدد

وزنه اسارون ونصف وزنه اهليلج اسود.»

۶-۱. الابنية، ۱۷ | افستین: «... چون آن نیابند بدل آن جعده بود، ... و اندر

تقویت معده بدل وی شیخ ارمنی است، و اندر سدد گشادن بدلش چندیک،

همسنگ و نیم وی اسارون است و یک سنگ هلیله‌ی سیاه»

۷-۱. الجامع، ۴۳/۱ س ۵ | افستین (= لکله، شماره ۱۱۳): «الشریف: ...

وبدله في تقوية المعدة مثله أسارون مع مثل نصفه أهليلج أصفر.»

رازی پس از یادکرد نظر خود و سپس نقل قول از بولس، نظر بدیغورس را تکرار

کرده است. ابوریحان نیز پس از نقل دیدگاه‌های بولس و رازی، نظر ابن ماسویه را که

در ابدال رازی نیامده و سرانجام نظر بدیغورس را با همان صورت مذکور در ابدال

رازی نقل کرده است. در متن چاپی الجامع، این بدل چنان آمده که گویی نظر شریف

ادریسی است. شاید در این متن چاپی نام رازی یا بدیغورس افتاده است. از این

گذشته در الجامع به جای «اهلیج اسود»، «اهلیج اصفر» آمده است. این ضبط در

برخی نسخه‌های ابدال رازی نیز دیده می‌شود و به نظر می‌رسد که ابن بیطار نیز از

نسخه‌ای که این اشکال را داشته بهره گرفته است.

۲. ابهل

۲-۱. رازی، شماره ۷: ابهل؛ بدله وزنه سلیخه ووزنه جوز السرو.

۲-۲. الصيدنة، ۱۲ | ابهل: «وقال جالينوس: بدله في المعجونات ضعفه من الدارصيني. وقال الرازي: بدله في ادرار الطمث وإفساد الأجنة وزنه سليخة ووزنه جوزالسرو».

۲-۳. بديغورس، ۲-۹: ابهل: «وخاصته قتل الولد وتجفيف القروح وإنزال الحيض والبول وبدله وزنه سليخة ووزنه جوز السرو».

۲-۴. الاعتماد، گ ۴۵ ب س ۱۵ | ابهل: «وبدل وزن درهم من الأهل وزن درهم ورق الأرز وقال بديغورس (في الأصل: ديغورس) بدل الأهل وزنه سليخة ومثله جوز السرو».

۲-۵. الصيدنة، ۱۲ | ابهل: «وقال الرازي: بدله في إدرار الطمث وإفساد الأجنة وزنه سليخة ووزنه جوزالسرو»

رازی این بدل را از بديغورس گرفته اما خاصیت آن را که به قول بديغورس « قتل الولد وتجفيف القروح وإنزال الحيض والبول» بوده حذف کرده است. نقل قول بیرونی از رازی در خور توجه است. «إفساد الأجنة» همان «قتل الولد» و «ادرار الطمث» نیز با اندکی تسامح همان «إنزال الحيض» است. یعنی بیرونی همان کاربردهای مذکور در رساله بديغورس را البته با عباراتی دیگر به رازی نسبت داده است. در حالی که در دست‌نویس‌های موجود ابدال رازی این کاربردها نیامده‌اند.

۳. انداهیمان (/انداسمان/ انداهمان)

۳-۱. رازی، ش ۸: «أنداهيمان بدله وزنه طين ارمني ووزنه قشور الرمان ونصف وزنه صندل ابيض».

۳-۲. رازی، الحاوی، ۴۴/۲۰ س ۸: «أنداهيمان وَهُوَ الدَّوَاءُ الْكُرْمَانِي. قَالَ بديغورس: هَذَا نَافِعٌ مِنْ اسْتِطْلَاقِ الْبَطْنِ جَدًّا بِخَاصَّةٍ فِيهِ».

۳-۳. رازی، الحاوی، ۵۹/۲۰ س ۴: «أنداسيمان هُوَ دَوَاءُ كَرْمَانِي. قَالَ بديغورس: هُوَ نَافِعٌ مِنْ اسْتِطْلَاقِ الْبَطْنِ بِخَاصَّةٍ فِيهِ».

۳-۴. بديغورس، بند ۲-۱۰: «شجرة تسمى انداهيمان وهو دواء كرماني ينفع من استطلاق البطن وذلك خاصته وبدله وزنه طين ارمني ووزنه قشور رمان ونصف وزنه صندل ابيض».

۳-۵. الجامع، ۶۲/۱ س ۱۴ | انداهیمان (=لکله، شماره ۱۶۴): «الرازي في الحاوي: هو دواء كرماني معروف. بديغورس: ينفع من استطلاق البطن

بخاصية فيه وبدله وزنه طين أرمني ووزنه قشور رمان ونصف وزنه صندل أبيض سواء.»

۳-۶. الشامل، ۶۸۵ | انداهان: «قيل إنه دواء کرمانی معروف، ينفع جدا من استطلاق البطن، و يقوم مقامه قشر الرمان مع الطين الأرمني».

رازی در الحاوی پیش از استناد به بدیغورس از کرمانی بودن انداهیمان سخن گفته است. به همین دلیل ابن بیطار این عبارت را از خود رازی نقل کرده، در حالی که این نیز سخن بدیغورس است. چنان که آمد رازی در ابدال ذیل این مدخل از بدیغورس نام نبرده و به نظر می‌رسد ابن بیطار با مراجعه مستقیم به ابدال بدیغورس یا به واسطه منبعی دیگر از او نقل قول کرده باشد. جالب آنکه داروشناسان دوره اسلامی درباره این داروی ناشناس (که به واسطه رساله بدیغورس فقط می‌دانیم که یک نوع درخت است) چیزی بر سخن بدیغورس نیفزوده‌اند و به نظر می‌رسد که آن را نمی‌شناخته‌اند. حتی به نظر می‌رسد که خود رازی نیز در ضبط این نام تردید داشته است.

۴. آزاددرخت

۴-۱. رازی، شماره ۹: «آزاددرخت؛ بدله ورق الشهدانج».

۴-۲. الحاوی، ۵۹/۲۰ س ۵: «آزاددرخت قال بدیغورس: خاصته النفع من السموم».

۴-۳. بدیغورس، بند ۲-۱۱: «الآزاددرخت؛ وخاصته النفع من السم وبدله ورق الشهدانج».

۴-۴. القانون، ۲۵۵/۱ س ۱۹ | آزاددرخت: «بدله في تطويل الشعر ورق الشهدانج وورق الآس والسدر».

۴-۵. الصيدنة، ۳۷ | آزاددرخت: «وقال يوحنا بن ماسويه في كتابه في الأبدال: فرب شجرة ثمرتها قاتلة و أغصانها نافية للسم كالآزاددرخت فان ثمرتها الشبيهة بالنبق قتالة وأغصانها دواء من السم القاتل. وقال الرازي؛ بدل ورقها ورق الشاهدانج. و كانه في تطويل الشعر، فانه مشتهر به»

۴-۶. الابنية، ۳۱ | آزاددرخت: «... بدلش برگ شاهدانه است ... سدهای سر را نیک باشد، و موی دراز کند ...»

۴-۷. الجامع، ۲۳/۱ س ۷ | ازاددرخت (= لکله، شماره ۶۰): «مجهول: ...

وبدله إذا عدم ورق الشهدانج.»

ادامه مطلبی که ابوریحان «گویا» از رازی نقل می‌کند (وگفته که تطویل الشعر...) در دست‌نویس‌های ابدال رازی نیست. ابن سینا نیز به «تطویل الشعر» اشاره دارد. جالب توجه آنکه ابن بیطار نیز روایت بدون «تطویل الشعر» را به «مجهول» نسبت می‌دهد.

۵. اقدر (افدر/اقدرا/ایور؟)

۵-۱. رازی، شماره ۱۱: «اقدر؛ خاصته فی تذکیة الذهن وبدله وزنه کندر

ونصف وزنه بزر الرازیانج وثلثی وزنه لوز حلو وعشر وزنه عسل البلاذر».

۵-۲. الحاوی، ۹۳/۱ س ۳: «ماسرجویه ایور دواء فارسی یدکی الذهن والعقل

ويعرف بهذا الاسم اقدر وهو دواء کرمانی خاصيته تذکیة الذهن».

۵-۳. بديغورس، بند ۳-۳۵: «دواء کرمانی يقال له اقدر؛ خاصة تذکیة الذهن

وبدله وزنه حب الرازیانج وثلثی وزنه لوز حلو وأربع وزنات دهن ورد

ونصف عشر وزنه بلاذر من عسله».

در مورد این داروی کرمانی نیز اطلاعات داروشناسان دوره اسلامی در سخنان ماسرجویه و بديغورس خلاصه می‌شود. البته باید دقت داشت که آنچه رازی در الحاوی به ماسرجویه نسبت داده، همان نظر بديغورس در رساله ابدال است و چون رازی در این مورد بر خلاف انداهیمان/انداسمان به بديغورس ارجاع نداده، بعید نیست که نام ماسرجویه بر اثر یک اشتباه جایگزین نام بديغورس شده باشد.

۶. باذرنجبویه

۶-۱. رازی، شماره ۱۹: «باذرنجبویه؛ بدله فی تفريح القلب وزنه ابريسم

وثلثی وزنه قشور الاترج الأخضر».

۶-۲. بديغورس، بند ۴-۶: «والحشيشة التي تسمى الكروان وهي «مفرحة

للقلب المحزون» وخاصتها النفع من وجع الفؤاد والفم وبدلها وزنها من

الأبريسم المحرق وثلثی وزنها من قشر الاترج الأخضر».

۶-۳. القانون، ۲۷۲/۱ س ۹ | باذرنجبویه: «بدله فی التفريح وزنه أبريسم وثلثا

وزنه قشور الأترج».

۴-۶. الصيدنة، ۱۲۵ | باذرنجبويه: «قال الرازي: بدله في منافع القلب وزنه ابريسم وثلاثي وزنه اترج أخضر»
۵-۶. الجامع، ۷۵/۱ س ۲۱ | باذرنجبويه (= لكلر، شماره ۲۲۱): «وقال الرازي: وبدله في التفريح وزنه ابريسم وثلاثا وزنه قشور الأترج الأخضر.»
رازی مدخل کروان بديغورس را، که به قول او همان «مفرحة للقلب المحزون» است ذیل باذرنجبويه آورده است.

۷. جدوار

۱-۷. رازی، شماره ۲۶: جدوار؛ بدله في الدرياق ثلاثة أوزانه زرنباد.
۲-۷. بديغورس، بند ۳-۲۳: «الدواء الذي يسمّى الجدوار وخاصته النفع من السموم وبدله وزنه وثلث من الزرنباد.»
۳-۷. القانون، ۲۸۷/۱ س ۴- | جدوار: «بدله في الترياق ثلاثة أوزانه زرنباد.»
۴-۷. الجامع، ۱۶۰/۱ س ۲ | جدوار (= لكلر، شماره ۴۷۲): «الرازي في كتاب ابدال الأدوية: وبذل الجدوار إذا عدم وزنه ثلاث مرات من الزرنباد.»
۵-۷. منهاج البيان، ۲۵۶ | جدوار: «و بدله في [در اصل: من] الترياق ثلاثة أمثالها زرنباد.»
۶-۷. الكليات في الطب، ۵۰ | جدوار: «و هو ترياق السموم جميعها ... و بدله ثلاثة أمثاله زرنباد.»

۸. سورنجان

۱-۸. رازی، شماره ۸۹: «سورنجان؛ بدله في وجع الفقرتين وزنه ورق الحناء او نصف وزنه مقل ازرق.»
۲-۸. بديغورس، ۳-۱۸: «السورنجان؛ خاصته النفع من وجع المفاصل وبدله وزنه من ورق الحنا ونصف وزنه كور ازرق.»
۳-۸. الاعتماد، گ ۶۸ ب س ۱۶ | سورنجان: «وزعم بديغورس ان بدله وزنه من ورق الحنا ونصفه كور ازرق.»
۴-۸. القانون، ۳۸۲/۱ س ۶- | سورنجان: «بدله في أوجاع المفاصل وزنه من ورق الحناء ونصف وزنه مقلأ أزرق.»
۵-۸. منهاج البيان، ۵۰۳ | سورنجان: «... قيل: بدله في أوجاع المفاصل ورق الحناء وزنه، و نصف وزنه مقل اليهود.»

رازی بی آنکه از بدیغورس یاد کند بدل او را تکرار کرده جز آنکه به جای «کور»، نام دیگر آن یعنی «مقل» را آورده است. جالب آنکه رازی به جای «المفاصل» ابدال بدیغورس، «الفقرتین» آورده است اما در القانون دوباره المفاصل آمده است.

۹. عروق

- ۹-۱. رازی، شماره ۹۵: «عروق: بدله في اجلاء النظر وتقويته وزنه ماميران».
- ۹-۲. بدیغورس، بند ۴-۱۰: «العروق الصفرة؛ خاصتها اجلاء النظر وتقويته وبدله نصف وزنه ماميران».
- ۹-۳. منهاج البيان، ۵۸۸ | عروق صفرة: «... إن اكتحل بها جلت البصر و قوته. و بدله نصف وزنه ماميران».
- در برخی نسخ ابدال رازی به جای اجلاء النظر، «جلاء العين» یا «حل البطن» آمده است. اما ضبط رساله بدیغورس (و نیز منهاج البيان) «اجلاء النظر» را تأیید می کند. افزون بر این «تقويته» با «نظر» مناسبت بیشتری دارد تا با «بطن».

۱۰. شقاقل

- ۱۰-۱. رازی، شماره ۱۱۵: «شقاقل: بدله للباه بوزيدان مثله سواء».
- ۱۰-۲. بدیغورس، بند ۳-۲۷: «البوزيدان؛ خاصته الزيادة في المني وبدله وزنه شقاقل».
- ۱۰-۳. القانون، ۴۳۶/۱ س ۲۰ | شقاقل: «بدله البوزيدان».
- ۱۰-۴. الجامع، ۶۶/۳ س ۳ | شقاقل (= لکړ، شماره ۱۳۳۰): «الرازي: وبدله للباه بوزيدان مثله سواء».
- رازی مدخل بوزيدان ابدال بدیغورس را با جابجایی داروی اصلی و بدل ذیل شقاقل آورده است. ابن بیطار نیز مدخل شقاقل را از ابدال رازی نقل کرده است.

۱۱. شاهترج

- ۱۱-۱. رازی، شماره ۱۱۶: «شاهترج: خاصته في تنقية المعدة والجرب نصف وزنه سنا وثلاثي وزنه اهلبلج أصفر منقا».
- ۱۱-۲. الحاوی، ۱۳۴/۵ س ۴: «ابن ماسويه: الشاهترج ... بدیغورس: خاصته تنقية المعدة».
- ۱۱-۳. بدیغورس، بند ۴-۷: «الشاهترج: خاصته النفع من الفضول الغليظة والتقية المعدة وبدله نصف وزنه سناء وثلاثي وزنه هليلج أصفر».

۱۱-۴. القانون، ۱/۴۳۴ س ۱۸ | «شاهترج: بدله في الجرب والحميات العتيقة نصف وزنه سنامكي».

۱۱-۵. منهاج البيان، ۵۱۰ | «شاهترج: و بدله في الجرب و الحميات العتيقة مثل نصف وزنه سنا مكي».

رازی بی آنکه از بدیغورس یاد کند، خاصیت و بدل را از او گرفته و تنها در خاصیت سودمندی برای «جرب» را افزوده است. دیگران نیز از او نقل کرده‌اند.

۱۲. خسرودارو

۱۲-۱. رازی شماره ۱۱۹: «خولنجان؛ بدله قرفة القرنفل مثله سواء».

۱۲-۲. رازی شماره ۱۲۲: «خسرودارو؛ بدله في النفع من وجع الكلي والزيادة في الباه وزنه دارصيني ونصف وزنه بزر القريص».

۱۲-۳. بدیغورس، بند ۳-۳۳: «خسرودارو؛ خاصته النفع من وجع الكليتين ويزيد في الجماع وبدله وزنه دارصيني ونصف وزنه حب الأنجرة».

۱۲-۴. الصيدنة، ۳۶۳ | خاولنجان: «الارجاني: بدله قرفة القرنفل. و قال ابن ماسه هو الخسرودارو. ابن ماسويه: بدله مثل وزنه ونصف قرفة القرنفل فان لم يوجد فنصف وزنه قرنفل».

۱۲-۵. منهاج البيان، ۳۶۰ | خولنجان: «و بدله وزنه قرفة القرنفل».

بیرونی ذیل خاولنجان نظر رازی را به ارجانی نسبت داده است. گویا ابن ماسویه (برخلاف ابن ماسه) خولنجان و خسرودارو را دو گیاه مختلف می‌پنداشته و رازی نیز از او پیروی کرده و در نتیجه دو مدخل خولنجان و خسرودارو را جداگانه آورده است. اما آنچه بدیغورس خسرودارو نامیده همان است که گیاه-داروشناسان دیگر معمولاً خولنجان می‌نامیده‌اند (مثلاً نک: الجامع، ۱/۶۰ س ۱۷ | انجرة: «هو القريص والحريق أيضاً»). رازی هنگام تکرار سخن بدیغورس، به جای «حب الانجرة»، «بزر القريص» آورده است. و باید به خاطر داشت که قریص نام دیگر انجره است.

شواهدی از بدل‌های رازی و بدیغورس با اختلافات ناشی از اشکالات دست‌نویس‌ها در این جا دو استناد صریح رازی به بدیغورس و چند مورد از بهره‌گیری‌های بدون ارجاع رازی بررسی می‌شود.

۱۳. حب البان

۱-۱۳. رازی، ۶۰: «حب البان؛ قال بديغورس بدله مثل وزنه ونصف قشور السليخة ومثل عشر وزنه بسباسة».

۲-۱۳. الحاوی، چ حیدرآباد، ۹۶/۱ س ۲ = چ هیثم خلیفه، ۷۵/۱: «قال بديغورس حب البلسان ينقى الرأس».

۳-۱۳. بديغورس، بند ۲-۲: «حبّ البلسان؛ وخاصته النفع من الفضول الغليظة وتقوية المعدة والرأس وتقوية الكبد وبدله وزنه ونصف من قشور السليخة وعشر وزنه بسباسة».

۴-۱۳. الاعتماد، گ ۶۳ ب س ۱۲ | حب البان: «و حکي رازي عن بديغورس ان بدل حب البان مثل وزنه مرة ونصف من قشر السليخة ومثل عشر وزنه بسباسة».

۵-۱۳. القانون، ۲۶۴/۱ س ۲- | بان: «بدله وزنه فوة ونصف وزنه قشور السليخة وعشر وزنه بسباسة».

۶-۱۳. الجامع، ۸۰/۱ س ۱ | بان (= لکله، شماره ۲۲۶): «الرازي في كتاب أبدال الأدوية: قال بديغورس: بدل حب البان إذا عدم وزنه مرة ونصف في قشور السليخة ومثل عشر وزنه من البسباسة. ابن سينا: بدله وزنه فوة ونصف وزنه قشور السليخة وعشر وزنه بسباسة».

۷-۱۳. الجامع، ۱۰۹/۱ س ۱۳ | بلسان (= لکله، شماره ۳۳۶): «بديغورس: وبدل دهن البلسان إذا عدم دهن الكادي ونصف وزنه من دهن البان الفائق وربع وزنه من الزيت العتيق. الرازي: بدل دهن البلسان دهن الفجل. وقال تياذوق: بدله وزنه من ماء الكافور. وحب البلسان خاصيته النفع من الفضول الغليظة. وبدله إذا عدم نصف وزنه من قشور السليخة وعشر وزنه من البسباسة. ابن الجزار: بدل حب البلسان إذا عدم وزنه ونصف وزنه من عوده».

آنچه رازی ذیل حب البان به بديغورس ارجاع داده، در رساله ابدال بديغورس ذیل حب البلسان (شماره ۲-۲) آمده است. رازی دو مدخل بعدی رساله بديغورس (شماره‌های ۲-۳ و ۲-۴) یعنی عود البلسان و دهن البلسان را به همین صورت از او نقل کرده است (شماره‌های ۹۳ و ۳۰ ابدال رازی) و در الحاوی نیز از همین بند رساله بديغورس این بار با عنوان حب البلسان نقل قول کرده است. گویا رازی هنگام

یادداشت برداری از رساله بدیغورس «منفعت» و «بدل» حب البلسان را در دو یادداشت جداگانه آورده اما هنگام استفاده از یادداشت دوم حب البلسان را به اشتباه حب البان خوانده است زیرا این اشتباه در همه دست‌نویس‌های بررسی شده ابدال رازی آمده است.

شگفت آنکه ابن جزار ذیل حب البان نظر بدیغورس را به واسطه ابدال رازی نقل کرده و در نتیجه اشتباه او را تکرار کرده است در حالی که در همه موارد دیگر همواره مستقیماً به رساله بدیغورس مراجعه کرده است.

ابن سینا نیز (گویا به واسطه رازی، اما بدون اشاره به نام او) ضمن تکرار این اشتباه، اشتباهی دیگر (افزودن «وزنه فوة») را بر آن افزوده است. ابن بیطار نیز یک بار ذیل بان سخن اشتباه رازی و ابن سینا را از پی هم آورده است و بار دیگر ذیل «بلسان» ضمن اشاره به نظر بدیغورس و تیاذوق درباره دهن البلسان، مطلبی را درباره خاصیت و بدل حب البلسان آورده است که به نظر سخن تیاذوق می‌رسد درحالی که دقیقاً همان نظر بدیغورس ذیل حب البلسان است.

ابن بیطار نیز همچون ابن جزار در مورد حب البان نظر بدیغورس را به واسطه ابدال الادویه رازی نقل کرده است.

۱۴. دفلی

۱-۱۴. رازی، شماره ۳۱: «دفلی؛ قال [بدیغورس] ینوب عنه في تحليل الأورام الصلبة وزنه من أصابع الملك ونصف وزنه ورق التين».

۲-۱۴. بدیغورس، بند ۲-۲۵: «الدفلی؛ وهو الفرماره وخاصته تحليل الأورام الصلبة وبدله وزنه من أصابع اكليل الملك ونصف وزنه من ورق التين».

۳-۱۴. الصيدنة، ۴۳۲ | دفلی: «ارجاني ... هو نوعان ... بولس: بدل عصارة الدفلي دبق شجرة البلوط و بدله في تحليل الورم الصلب ووجع الظهر والركبة وزنه من أصابع الملك ونصف وزنه ورق التين».

۴-۱۴. الجامع، ۹۴/۲ س ۳ | دفلی: «الرازي في ابدال الادوية: وينوب عنه في تحليل الأورام الصلبة وزنه من أصابع الملك وثلث وزنه ورق التين».

مقصود رازی از «قال»، همان «قال بدیغورس» است که چون نام وی در مدخل پیشین آمده تکرار نام وی را لازم ندانسته است. ابوریحان همین بدل را بی‌آنکه از

کسی نام ببرد یاد می‌کند اما در کاربرد آن افزون بر «تحلیل الورم الصلب» به «وجع الظهر والركبة» نیز اشاره کرده است. شاید در این مورد مأخذی دیگر داشته باشد. رازی در الحاوی کمترین اشاره‌ای به «أصابع (=انگشتان) الملك» یا «أصابع اكليل الملك» ندارد و ابن بیطار نیز در الجامع فقط همین یک بار از گیاهی به نام أصابع الملك یاد کرده است. تمام اطلاعات بیرونی دربارهٔ أصابع الملك نیز یک جمله کوتاه است: «رسائل از آن یاد کرده و آن را به چیزی تفسیر نکرده است» (الصیدنة، ۶۵ | أصابع الملك). در متون دیگر نیز نه نشانی از أصابع الملك و نه سخنی دربارهٔ تشبیه بخشی از گیاه اكليل الملك به «انگشت/انگشتان» به چشم نخورد. شاید (و تنها شاید!) بدیغورس هر یک از ساقه‌های اكليل الملك را که در انتهای آن شماری گل کوچک دیده می‌شود به «انگشتان» تشبیه کرده باشد.

۱۵. اسارون

۱-۱۵. رازی، ابدال، شماره ۶: «اسارون؛ بدله قردمانا مثله ووزنه وثلث وج وثلث وزنه حماما».

۲-۱۵. بدیغورس، بند ۳-۱۵: «الاسارون؛ بدله وزنه وثلث وج وسدس وزنه حماما».

۳-۱۵. القانون، ۲۴۷/۱ س ۱۸ | اشقیل: «بدله مثله قردمانا ومثله وثلثه وج وثلثه حماما».

۴-۱۵. الصیدنة، ۳۹ | اسارون: «و قال جالینوس: الذي ينفع منه هو اصوله و قوته قوة الوجد ... و قيل ... و يسمى قرنفلًا جبلیا ... يستعمل بدل الأسارون اذا عزّ وربما غشّ به. وقال ابن ماسويه: بدله في أدوية الكبد حبّ اللسان وفي غيرها القردمانا. وقال الرازي: بدله مثله قردمانا ووزنه وثلث وج وثلث وزنه حماما».

۵-۱۵. الابنية، ۲۱ | اسارون: «اسارون دو جنس است ... و دیسقوردیوس گوید که بدلش وج است با نیم وزن او ناردین، و فولس گوید بدل وی افسنتین بود».

بر اساس نسخ ابدال رازی، بدلی که رازی ارائه می‌کند فقط «قردمانا ومثله» را در آغاز سخن بدیغورس اضافه دارد و چون این عبارت همان بدل مدخل قبلی رسالهٔ رازی یعنی اشنه است، به احتمال قریب به یقین اشتباهی است که در یکی از نسخ کهن

این رساله (و چه بسا نسخه اصل رخ داده است). ابوریحان نیز همین را از رازی نقل می‌کند.

جالب آنکه ابن سینا همین بدل را (بدون « قردمانا مثله ») برای اشقیل آورده است (منابع دیگر برای اشقیل بدلی یاد نکرده‌اند) در چاپ کهن القانون (رم، ۱۵۹۳) نیز این بدل برای اشقیل آمده است (القانون، چاپ رم، ۱۲۷/۱ س ۱۲). در القانون پس از اشقیل، اذخر و فقاح آن و سپس اسارون آمده است. بعید نیست که بدل اسارون به اشتباه ذیل اشقیل یاد شده باشد. به نظر می‌رسد این اشتباه هنگام تدوین القانون رخ داده باشد اما برای اثبات آن باید به شمار بیشتری از دست‌نویس‌های کهن القانون مراجعه کرد.

۱۶. افیتمون

۱-۱۶. رازی، ش ۱۲: «افیتمون؛ بدله فی اسهال السوداء تربد وزنه وثلث وزنه حاشا».

۲-۱۶. بدیغورس، بند ۴-۱۰: «الأفیتمون؛ خاصته اسهال المرة الصفرا وبدله وزنه تربد وثلثی وزنه حاشا».

۳-۱۶. الصیدنة، ۷۷ | افیتمون: «قال رازی: بدله فی اسهال السوداء وزنه تربد وثلث وزنه حاشا».

۴-۱۶. الابنية، ۱۸ | افیتمون: «... و بدل وی باسهال سودا اندر همسنگ وی عنزروتست، و جالینوس گوید که بدلش یک هموزن وی تربد است، و سیک وزنش حاشا».

۵-۱۶. الجامع، ۴۱/۱ س ۲۲ | افیتمون (= لکله، شماره ۱۱۲): «الرازی: وبدله فی إسهال المرة السوداء وزنه تربد وربعه حاشا. وقال غیره بدله حاشا بوزنه ونصف وزنه».

رازی بدل و خاصیت را از بدیغورس گرفته اما از او نام نبرده است. با این تفاوت که در دو دست‌نویس موجود رساله بدیغورس از «اسهال المرة الصفراء» سخن به میان آمده است در حالی که رازی «اسهال [المرة] السوداء» آورده است. خود بدیغورس (ذیل بسبایج، نیز رازی، ذیل بسفایج) نیز افیتمون را بدل بسبایج در اسهال سودا دانسته است و در مدخل غاریقون نیز تربد را بدل آن در «اسهال البلغم الغلیظ والمرة السوداء» دانسته و به صفرا اشاره ندارد. در الابنية جایگزین افیتمون در

اسهال سودا، عنزروت یاد شده و سپس به نقل از «جالینوس» و البته بدون اشاره به «اسهال سودا» همان بدل بدیغورس و رازی آمده است.

در منابع دیگر نیز برای حاشا خاصیت «اسهال المرة السوداء» را یاد کرده‌اند. در نهایت چنین می‌نماید که ضبط ابدال رازی درست، و ضبط دو دست‌نویس ابدال بدیغورس نادرست باشد. در الابنیه نیز احتمالاً «اسهال سودا» جابه‌جا شده است. همچنین در بدلی که بدیغورس آورده «ثلثی وزنه حاشا» آمده اما رازی «ثلث وزنه حاشا» آورده و در الصيدنة و الابنیه نیز همان تکرار شده است. ذکر «ربعه حاشا» در الجامع ابن بیطار نیز اشتباه است.

۱۷. زرین‌درخت

۱۷-۱. رازی، ابدال، شماره ۵۳: زرین‌درخت؛ بدله وزنه قنطوریون دقیق و وزنه بزر القثاء و وزنه حب الاترج.

۱۷-۲. الحاوی، ۱۰/۱۷۰ س ۱۵: بدیغورس: الزرین‌درخت خَاصَّة النَّفَع من عسر البُول.

۱۷-۳. بدیغورس، بند ۲-۱۲: الزرین‌درخت؛ وخاصته اذهاب لريح الهوام وينفع من الأبتة وعرق النساء وبدله وزنه قنطوریون دقیق و وزنه بزر القثاء ونصف وزنه حب الاترج.

۱۷-۴. الصيدنة، ۴۹۱ | زرین‌درخت: «ابن ماسویه: بدله حب الاترج. الرازی: بدله وزنه قنطوریون [دقیق] و وزنه بزر القثاء و وزنه حب الاترج.»

۱۷-۵. الابنیه، ۱۷۷ | زرین‌درخت: «و بدل برگش یک وزنش فنطوریون دقیق باشد و یک وزن تخم قثا مقشّر، و یک وزن تخم ترنج مقشّر»
رازی بدل بدیغورس را آورده اما نسبت حب الاترج را به جای «نصف وزنه»، «وزنه» آورده است. ابوریحان نیز هنگام نقل قول از رازی چنین آورده و البته واژه «دقیق» را پس از قنطوریون انداخته است. ابومنصور نیز بی‌یادکرد از رازی فقط نظر او را به فارسی درآورده است.

۱۸. زرداسفرم (/زرداسفور/زرداسقورن)

۱۸-۱. رازی، شماره ۵۶: زرداسفرم بدله في تقوية المعدة نصف وزنه افسنتين.

۱۸-۲. بدیغورس، بند ۴-۲۴: الزرداسفرم؛ يقوي المعدة وينفع من السدة وبدله وزنه ونصف من الافستين.

۱۸-۳. الصيدنة، ۴۹۶ | زرداسفور: «رازی: بدله في تقوية المعدة نصف وزنه افستين.»

۱۸-۴. الصيدنة، ۱۰۷۸ | ورداسفرم: «الرازی: بدله في تقوية المعدة نصف وزنه افستين.»

این مدخل در دست‌نویس‌های ابدال رازی زرداسفور/زرداسقورن/ورداسفرم آمده است. در دست‌نویس‌های ابدال بدیغورس به صورت رداسعوم (یا چیزی شبیه به این) و در صیدنه نیز همان دارو دو بار یک بار زرداسفور و بار دیگر ورداسفرم آمده است. هیچ یک از صورت‌های یادشده در شمار داروهای شناخته شده نیست. نام زرداسفرم با توجه به صورت‌های مصحّف دو دست‌نویس ابدال بدیغورس و برخی دست‌نویس‌های ابدال رازی انتخاب شد و ممکن است درست نباشد. رازی همان بدل و خاصیت بدیغورس را آورده، اما نسبت را به جای «وزنه و نصف»، «نصف وزنه» آورده است. ابوریحان نیز نظر رازی را واژه به واژه تکرار کرده است.

زریاب (ذیل شماره ۴۹۶) بر اساس یکی از دست‌نویس‌های کتاب ابدال رازی بر آن است که «در کتاب ابدال رازی نام این دارو «ورد اسفرم» نوشته شده است و مطلب فوق (یعنی بدل) برای ورد اسفرم درج شده است و در حرف زاء در کتاب مذکور «زرداسفور» دیده نشد.» اما این دارو در بیشتر دست‌نویس‌های ابدال رازی در باب «ز» پس از زراوند و پیش از زرنب آمده است پس بی‌گمان حرف اول «ز» است و نمی‌توان آن را «ورداسفرم» خواند. این نام جز در سه منبع یاد شده در بالا، در منبع دیگری دیده نشد. یعنی یگانه اطلاعی که ما درباره زرداسفور داریم همان سخن بدیغورس است که رازی آن را تکرار کرده و سپس به واسطه ابدال رازی به الصيدنة راه یافته است.

۱۹. حافر

۱۹-۱. رازی، شماره ۶۳: حافر؛ بدله سیسالیوس.

۱۹-۲. بدیغورس: بند ۴-۲۹: سیسالیوس؛ خاصته إنزال الحيض والبول والنفع من الصرع وبدله أربع وزنات من عافريد [كذا]

کاتبان دو دست‌نویس رسالهٔ بديغورس، بدل سيساليوس را عافريد/عافريد آورده‌اند که نشان می‌دهد هر دو یک کلمه را «نقاشی» کرده‌اند.

گویا رازی نیز برای خواندن این واژه به زحمت افتاده بوده است. اما سرانجام، شاید با توجه به عبارت «خاصته ... النفع من الصرع»، این دارو را «حافر» (=سُم ستور به ویژه سم الاغ) پنداشته و سپس با جابجا کردن داروی اصلی و بدل، مدخل «حافر» را در حرف «ح» رساله ابدال گنجانده و بدل آن را «سيساليوس» آورده است بی‌آنکه به خاصیت این دو اشاره کند. به تأکید رازی در الحاوی، ابن سینا در القانون و منابع دیگر، «حافر» که هروقت به تنهایی یاد شود مقصود «حافر الحمار» است، از داروهای کمابیش مشهور درمان صرع بوده است (الحاوی، ۱/۱۴۲ س ۱۰: «رماد حوافر الحمار»، ۲۰/۳۵۰-۳۵۱ | حمار الحصر (=الاغ اهلی)؛ القانون، ۱/۳۲۵ س ۱ | حمار: کبد مشویه علی الریق تنفع من الصرع وكذلك حافره محرقاً؛ الجامع، ذیل «حمار أهلي»)

اما به گفتهٔ بديغورس سيساليوس و بدل (عجالتاً ناشناخته) آن در «إنزال الحيض والبول» نیز سودمند بوده است در حالی که در منابعی که یاد شد، جز در یک مورد (الحاوی، ۹/۱۱۵ س ۱: بوی سوزاندهٔ «حافر فرس» (سم اسب) انزال حیض را در پی دارد) این سودمندی را به حافر نسبت نداده‌اند. در آثار داروشناسی دورهٔ اسلامی خاصیت‌های «درمان صرع، انزال حیض و بول» را افزون بر سيساليوس به داروهای زیر نسبت داده‌اند که هر یک از آنها می‌تواند نامزدی برای جایگزینی سيساليوس در این کاربردها باشد:

غاريقون (الحاوی، ۲۱/۱۹۹-۲۰۲ ش ۵۶۶ | غاريقون؛ القانون، ۱/۴۶۷ | غاريقون)

جاوشير (الحاوی، ۲۰/۲۳۸-۲۴۵ ش ۲۰۳ | جاوشير؛ القانون، ۱/۲۸۲ | جاوشير)

فاوانيا (الحاوی، ۲۱/۲۵۱-۲۵۵ ش ۶۲۲ | فاوانيا القانون، ۱/۴۱۰ | فاوانيا)

قردمانا (الحاوی، ۲۱/۲۶۰-۲۶۱ ش ۶۲۵ | قردمانا؛ القانون، ۱/۴۱۷ | قردمانا)

۲۰. طرائيث

۲۰-۱. رازی، شماره ۶۵: الطرائيث؛ ينوب عنه في حبس البطن والدم نصف

وزنه قشور البيض المحرق المغسول وسدس وزنه عقص وعشر وزنه صمغ.

۲۰-۲. بديغورس، ۲-۳۲: الطرائيث؛ وخاصته حبس البطن والدم وبدله

نصف وزنه قشر البيض مشوي.

۲۰-۳. الاعتماد، گ ۶۲ ب س ۱۵ | طرائث: «وقال الرازي ينوب عنه في حبس البطن والدم نصف وزنه قشور البيض المحرق المغسول و سدس وزنه عفص وعشر وزنه صمغ وزاد فيه ابن الجزار في كتاب الأبدال بدل عصارة الطرائث وزنه قاقيا»

۲۰-۴. الصيدنة، ۶۶۵ | طرائث: «بولس: بدل بزره الكثيراء و بدل عصارته القرط. ... ابن ماسويه: بدله الافيون. ... الرازي: الطرائث ينوب عنه في حبس البطن والدم نصف وزنه قشور بيض محرق مغسول ونصف وزنه عفص وعشره صمغ.»

۲۰-۵. القانون، ۳۲۷/۱ س ۲۲ | طرائث: «بدله نصف وزنه قشورالبيض المحرق المغسول وسدس وزنه عفص وعشر وزنه صمغ»
۲۰-۶. الجامع، ۱۰۱/۳ س ۱۲ | طرائث (= لکله، شماره ۱۴۶۰): «بديغورس: خاصة الطرائث حبس الدم وعقل البطن وبدله نصف وزنه قشر البيض محرقاً وثلثا وزنه قرط وسدس وزنه قرط وسدس وزنه عفص وعشر وزنه صمغ»

رازی همان خاصیت بديغورس را تکرار کرده اما روایت او از بدل این دارو، «وسدس وزنه عفص وعشر وزنه صمغ» را بیشتر دارد. به نظر می‌رسد که این اشکال ناشی از افتادگی در دست‌نویس‌های ابدال بديغورس باشد زیرا ابن بیطار نیز هنگام نقل قول از بديغورس این عبارت را آورده است، هر چند که این نقل قول نیز نسبت به سخن رازی «وثلثا وزنه قرط وسدس وزنه قرط» را بیشتر دارد. ابن سینا نیز همان روایت رازی را تکرار کرده است. بیرونی نیز هنگام استناد به رازی به جای «وسدس وزنه عفص»، «ونصف وزنه عفص» آورده است.

۲۱. عاقرقرا

۲۱-۱. رازی، شماره ۹۱: عاقرقرا؛ ينوب عن الدورنج. بدله في الغراغر عنه الفوذنج الجبلي.

۲۱-۲. بديغورس، شماره ۳-۹: العاقرقرا؛ خاصته اذابة البلغم والاشياء الغليظة وتحليلها وبدله وزنه ونصف من الميوزج الجبلي.

۲۱-۳. الاعتماد، گ ۷۴ ب س ۱۴ | عاقرقرا: «وزعم بديغورس ان بدله وزنه ونصف من الميوزج الجبلي.»

۲۱-۴. الصيدنة، ۶۹۰ | عاقرقرا: «ابن ماسويه: بدله في وجع الحلق الكبابة وفي المعدة والرأس وفي الغرغرة اصول الطرخون الفارسي وفي الكبد دارالفلفل».

بديغورس از «وزنه و نصف من الميوزج الجبلی» و رازی نیز در دومین بدل از همین نسبت فودنج جبلی سخن می‌گویند. گویا فودنج تصحیف میوزج باشد. شاید هم رازی تصور کرده که میوزج تصحیف فودنج است و به گمان خود آن را اصلاح کرده است. زیرا «میوز» (در فارسی امروزی: مَویز) به معنی زیب (= کشمش) و «میوزج» خود به معنی «زیب الجبل» است (الصيدنة، ۴۸۱ | زیب) و در نتیجه افزودن صفت جبلی به «میوزج» از مصادیق حشو است. به هر حال نقل قول ابن جزار از بديغورس نیز ضبط دست‌نویس‌های رساله بديغورس را تأیید می‌کند. «میوزج جبلی» به عنوان مدخل نیز در رساله بديغورس آمده است (شماره ۴-۴۵) اما این حشو مختص بديغورس نبوده و ابن جزار نیز «میوزج جبلی» را معادل با حب الرأس و زیب الجبل دانسته است (الاعتماد، گ ۵۴ | آ حب الرأس = میوزج جبلی). بديغورس از طرشقوq بری نیز یاد کرده است در حالی که خود طرشقوq معادل هندبا بری است.

۲۲. راوند

۲۲-۱. رازی، ۱۱۲: راوند؛ بدله في ضعف الكبد والمعدة^۱ وزنه ورد و خمس وزنه سنبل عصافیر.

۲۲-۲. بديغورس، شماره ۳-۱۲: الراوند الصيني؛ خاصته النفع من ضعف المعدة والكبد وبدله وزنه ونصف من الورد و خمس وزنات سنبل عصافیر.

۲۲-۳. الجامع، ۱۳۴/۲ س ۲ | راوند (= لکله، شماره ۱۰۱۸): «الرازي في كتاب الأبدال: بدله في ضعف الكبد والمعدة وزنه ونصف وزنه ورد أحمر منقى الأقماع و خمس وزنه سنبل عصافیر.»

رازی خاصیت و بدل را از بديغورس گرفته اما در دست‌نویس‌های در دسترس ابدال رازی نسبت «ورد»، به جای «وزنه ونصف» (مذکور در رساله بديغورس)، «وزنه» آمده است که باید ناشی از افتادگی در این دست‌نویس‌ها باشد زیرا ابن بیطار نیز به

۱. ط: لضعف الكبد المعدة

نقل از رازی «وزنه و نصف» آورده است. در چاپ هند رساله ابدال نیز بر اساس ضبط یکی از دست‌نویس‌های موجود در هند «وزنه و نصف» آمده است.

مقایسه استنادهای رازی و ابوریحان به ابن ماسویه

از آنجا که امروزه نشانی از رساله ابن ماسویه در دست نیست نمی‌توان آنرا همچون رساله بدیغورس با ابدال رازی مقایسه کرد. ابوریحان بیرونی در الصیدنة ذیل ۵۳ (با جدا به‌شمار آوردن فلفل ابیض و اسود: ۵۴) مدخل بدلهایی را از ابن ماسویه نقل کرده است که بسیار بیشتر از استنادهای ۱۸ گانه رازی به ابن ماسویه است.

۱. جایگزینی‌های یاد نشده در رساله رازی: ابوریحان ذیل مدخل‌های اسقوردیون، بوزیدان، جوز، دارفلفل، سذاب، سرمق، صعتر، صندل، حب الصنوبر، طباشیر، فیلزهرج، قرنفل، کمون، لک، لوز، مامیثا، محلب، مصطکی و بیروح (الصیدنة، شماره ۴۱، ۱۸۵، ۲۷۵، ۴۱۳، ۵۲۹، ۵۳۲، ۶۳۹، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۵۸، ۸۰۳، ۸۲۰، ۹۲۱، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۶۷، ۹۷۵، ۱۰۰۰، ۱۱۱۰)، ۱۹ جایگزینی از ابن ماسویه یاد می‌کند. هیچ یک از این ۱۹ دارو در رساله رازی مدخل نیستند و عکس این جایگزینی‌ها نیز (با این فرض که شاید ابوریحان داروی اصل و بدل را جابه‌جا کرده باشد) نیز در رساله رازی نیامده‌اند.

۲. یادکرد مدخل و بی‌توجهی به بدل ابن ماسویه: ابوریحان برای آزاددرخت، اسارون، افسنتین، بذاشغان (در ابدال رازی: بذشکان)، بلسان (رازی: دهن البلسان)، جوزبوا (رازی: جوز الطیب)، خاولنجان (رازی: خولنجان)، درونج، زراوند (رازی: زراوند طویل و زراوند مدور)، زرین‌درخت، سنبل، طرائیث، عاقرقرا، غاریقون، حب الغار (در حرف غ؛ رازی: دهن الغار و غار)، عود فاوانیا (در حرف ف؛ رازی: فاوانیا)، فربیون، فلفلمول (رازی: فلفلمویه)، قاقلة و مشکطرامشیع (الصیدنة، ۲۷، ۳۹، ۷۶، ۱۳۶، ۱۷۱، ۲۷۱، ۳۶۳، ۴۲۹، ۴۸۸، ۴۹۱، ۵۷۱، ۶۶۵، ۶۹۰، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۵۹، ۷۶۸، ۷۹۱، ۸۰۷، ۹۹۷)، به نقل از ابن ماسویه بدلهایی آورده است که رازی به رغم یادکرد این مداخل، نظر ابن ماسویه را نیاورده است.

از این گذشته ابوریحان ذیل زرنباد و خریق هر کدام دو بار به ابن ماسویه استناد می‌کند اما رازی ذیل هر یک از دو مدخل زرنباد و خریق اسود فقط یک بدل از ابن ماسویه می‌آورد.

۳. بدل‌هایی که در صیدنه نیامده است: رازی ذیل جاوشیر، کمداریوس، مرّ، ساذج و صبر به ابن ماسویه استناد کرده است که هیچ یک از این جایگزینی‌ها در الصیدنه نیامده است.

بهره‌گیری رازی از نظر ابن ماسویه بدون یادکرد او از مقایسهٔ رسالهٔ ابدال رازی و الصیدنه، می‌توان دریافت که رازی دست کم در موارد زیر بدون نام بردن از ابن ماسویه، نظر او را آورده است

۲۳. اشنه

- ۲۳-۱. رازی، شماره ۴: اشنه؛ بدلها قردمانا مثلها
۲۳-۲. الصیدنه، ۵۸ | اشنه: «وقال ابن ماسويه و الرازي في بدله انه القردمانا»
۲۳-۳. القانون، ۲۴۹/۱ س ۷ | اشنه: «بدله وزنه قردمانا»
۲۳-۴. الجامع، ۳۶/۱ س ۵- | اشنه (= لکله، شماره ۸۵): «الرازي: وبديل الأشنه إذا عدم وزنه قردمانا.»
۲۳-۵. منهاج البيان، ۱۳۹-۱۴۰ | اشنه: « قيل: اذو [= اذ لم يوجد؟] بدلها قردمانا مثل وزنها، و قيل بدلها الصنّدل الأصفر»

۲۴. دهن الحناء

- ۲۴-۱. رازی، شماره ۴: دهن الحناء؛ بدله دهن المرزنجوش.
۲۴-۲. الصیدنه، ۳۵۹ | حناء: «بولس: ... وقال بدل الحناء رماد ورق الزيتون. ... ابن ماسويه: بدل دهنه دهن المرزنجوش.»
۲۴-۳. القانون، ۲۹۷/۱ س ۷ | دهن: «وبديل دهن الحناء دهن المرزنجوش»

ارجاعات مشکوک

۲۵. دارشیشعان

شماری از ارجاعات رازی به ابن ماسویه مشکوک می‌نماید، زیرا دیگران این بدل‌ها را به دیگری نسبت داده‌اند.

- ۲۵-۱. رازی، شماره ۲۹: دارشیشعان؛ قال ابن ماسويه بدله ثمرة الينبوت وبدله في نفعه في استرخاء العصب ثلثي وزنه زراوند ووزنه اسارون ونصف وزنه درونج.

۲۵-۲. الصيدنة، ۴۱۵ | دارشيشغان: «بولس: بدله ثمره الينبوت ... الرازي: بدله في النفع من استرخاء العصب ثلثي وزنه زراوند و وزنه اسارون و نصف وزنه درونج. ابن ماسويه: بدله عروق الفوتنج الجبلي»
۲۵-۳. بديغورس، بند ۳-۲۲: العود الذي يسمي دارشيشغان خاصته النفع من استرخاء العصب وبدله ثلثي وزنه زراوند ووزنه من الأسارون ونصف وزنه من الدرونج.

۲۵-۴. الاعتماد، گ ۷۱ ب س ۵ | دارشيشغان: «وزعم بديغورس ان العود الذي يسمي دارشيشغان خاصته النفع من استرخاء العصب وبدله ثلثي وزنه زراوند ووزنه من الأسارون ونصف وزنه من الدرونج.»
۲۵-۵. القانون، ۱/ ۲۹۰ س ۱۸ | دارشيشغان: «بدله ثمره الينبوت ثلثي وزنه وفي منفعة العصب وزنه أسارون ونصف وزنه درونج.»

۲۵-۶. الجامع، ۲/ ۸۵ س ۱- | دار شيشغان: «بديغورس: وبدلها في النفع من استرخاء العصب وزنه من الأسارون وثلثا وزنه من الزراوند ونصف وزنه من الدرونج.»

آنچه رازی از ابن ماسويه نقل کرده در الصيدنة به نام بولس آمده و در عوض بدلی که ابوریحان از ابن ماسويه نقل می‌کند در ابدال رازی نیامده است. بدل دوم ابدال رازی نیز همان بدل بديغورس است.

۲۶. هشت‌دهان

۲۶-۱. رازی، شماره ۴۴: هشت‌دهان؛ قال ابن ماسويه بدله في النفع من النقرس وزنه قنطوريون دقيق.

۲۶-۲. الحاوی، چ حیدرآباد، ۱۱/ ۱۹۷ س ۱۳ = چ هیشم خلیفه، ۳/ ۴۸۷: «د: هشت‌دهان خاصته النفع من النقرس. بديغورس: عكر الزَّيْتِ إذا سخن وصب على النقرس ووجع المفاصل نفع. د: بحر الماعز متى تضمد به مع شحم خنزير نفع من النقرس.»

۲۶-۳. بديغورس، بند ۳-۲۳: العود الذي يسمي هشت‌دهان وهو هندي خاصته النفع من النقرس وبدله بوزنه من القنطوريون الدقيق.

۲۶-۴. الجامع، ۴/ ۱۹۵ س ۸- | هشت دهان (= لکله، شماره ۲۲۵۸): «الرازي هو عود هندي معروف حار يابس في الثالثة خاصيته النفع من النقرس وبدله إذا عدم وزنه من القنطريون الدقيق.»

آنچه رازی درباره خاصیت و بدل هشت دهان به ابن ماسویه نسبت می دهد همان است که در رساله بدیغورس آمده. متن الحاوی نیز در موضعی که نام هشت دهان آمده مشوش است، زیرا سخن بدیغورس به نقل «د» (دیوسقوریدس) نقش شده و در عوض آنچه به عنوان سخن بدیغورس آمده از او نیست. نقل قول ابن بیطار نیز کمکی نمی کند چون مأخذ رازی را حذف کرده است. در نهایت می توان گفت که رازی در ابدال به جای نام بردن از بدیغورس به اشتباه از ابن ماسویه یاد کرده است و در متن الحاوی نیز نام بدیغورس باید پیش از «هشت دهان» بیاید.

۲۷. قسط

۲۷-۱. رازی، شماره ۱۰۷: قسط؛ قال ابن ماسویه بدله نصف وزنه عاقرقرا. ۲۷-۲. الصیدنة، ۸۳۹ | قسط: «بولس: بدله جوز شجر القطران. الارجاني: ... و بدله من العاقرقرا نصفه. ابن ماسویه بدل البحري في ادوية الكبد الوج فان لم يوجد فالراسن.»

۲۷-۳. القانون، ۱/ ۴۲۰ س ۶- | قسط: «بدله من العاقرقرا نصف وزنه.» ۲۷-۴. الاعتماد، گ ۴۵ آ س ۱۷ | قسط: «وقال في كتاب الأبدال بدل القسط وزنه من جوز شجرة القطران و حکي الرازي عن ابن ماسوية إن بدل القسط مثله من الحوض وقال غيره بدل القسط نصف وزنه عاقرقرا و بدل دهن القسط دهن ايرسا»

ابوریحان آنچه را که رازی از ابن ماسویه نقل کرده گویا از ارجانی (در واقع چنان که خواهد آمد: رازی) نقل کرده است و آنچه او به ابن ماسویه نسبت می دهد در رساله رازی نیامده است (نیز نک توضیحات مثال شماره ۲۹: صبر)

بولس اجانیطی و فصل پایانی کناش او

در این پژوهش از کناش بولس، تنها ترجمه ای انگلیسی در دست بود که در آن داروها با نام های رایج انگلیسی خود (آن هم رایج در یک قرن پیش و نه اکنون) آمده بودند. در نتیجه تطبیق مستقیم ابدال رازی و بدل های بولس بسیار دشوار بود. ابوریحان

بیرونی در الصيدنة ذیل ۵۲ مدخل بدل‌هایی را از بولس نقل کرده است که بسیار بیشتر از استندهای ۱۰ گانه رازی به ابن ماسویه است (تطبیق دقیق‌تر این سه اثر به فرصتی دیگر واگذار شد).

بهره‌گیری گیاه‌شناسان دیگر از ابدال رازی

ابدال رازی به رغم اختصار یکی از مهم‌ترین منابع داروشناسان بعدی در این موضوع بوده است. ارجاعات کم‌شمار ابن جزار در الاعتماد، استندهای پیاپی ابوریحان بیرونی در الصيدنة، و ارجاعات اسماعیل جرجانی در بخش ابدال ذخیره خوارزمشاهی تنها بخشی اندک از این بهره‌گیری را می‌نمایاند.

ابن سینا در کتاب دوم قانون (بی‌آنکه هرگز از رازی یاد کند)، ابومنصور موفق هروی در الابنية (او نیز در مورد ابدال اشاره‌ای به رازی ندارد)، ابن جزله در منهاج الدکان (بی‌یادکرد از رازی) و بسیاری دیگر از بهره‌وران رساله ابدال رازی هستند. عطار هارونی چنان که خود به صراحت آورده، باب ابدال (=بیستم) منهاج الدکان را « من کتاب الرازي في الأبدال و من غيره » گرفته و با نگاهی به آن می‌توان دریافت که در اغلب موارد حتی ترتیب رساله رازی را نیز حفظ کرده است.

باب چهل و ششم قراباذین (أقرباذهین) قلانسی (فی ذکر ابدال الادویه) نیز تقریباً به تمامی از رساله رازی گرفته شده است.

ابن جزار در الاعتماد فی الادویه المفردة

ابن جزار بر خلاف داروشناسان دیگر، به ندرت به رازی استناد می‌کند. وی بی‌گمان رساله بدیغورس را در دست داشته و در موارد متعددی به جای ارجاع به نظر رازی، همان بدل را با استناد به بدیغورس یاد کرده است (مثلاً ذیل مدخل‌های افسنتین، ابهل، سورنجان، عاقرقرحا و دارشیشعان در مثال‌های ۱، ۲، ۸، ۲۱، ۲۵).

چون رازی در بسیاری از موارد یادشده نامی از بدیغورس نیاورده می‌توان دریافت که ابن جزار از رساله بدیغورس بی‌واسطه بهره برده است. با این همه در مورد حب البان (مثال ۱۳) به جای مراجعه مستقیم به رساله او، به واسطه رازی، که نظر بدیغورس را در مدخلی اشتباه آورده است، به بدیغورس استناد می‌کند (شاهد ۱۳-۴ و حکي رازي عن بدیغورس ...) و گاه به جای یادکرد بدیغورس از رازی (که سخن بدیغورس را تکرار کرده است) نام می‌برد (مانند طراثیث در مثال ۲۰). ابن جزار گاه به واسطه رازی از دو منبع دیگر او یعنی بولس (ذیل غار و جنطیاننا: مثال ۳۰) و ابن

ماسویه (ذیل درونج، زرنباد، کمافیطوس، کمداریوس، و قسط: مثال ۲۷) و گاه مستقیم نقل می‌کند. ابن جزار یک بار ذیل طباشیر (مثال ۲۸) پس از یادکرد نظر بدیغورس به رازی استناد می‌کند در حالی که ابدال رازی این مدخل را ندارد. و یک بار نیز بدلی را که رازی برای «صبر» (مثال شماره ۲۹) آورده است در جایی دیگر می‌آورد. ابن جزار در مواردی نیز به شباهت دیدگاه رازی و اسحاق بن عمران، با دیدگاه‌های بدیغورس اشاره کرده است.

۲۸. طباشیر

۲۸-۱. رازی: ندارد

۲۸-۲. الاعتماد، گ ۵۲ ب س ۴ | طباشیر: «وقال الرازي (كذا) بدل الطباشير ثلثا وزنه حب القثاء وأربع وزنات من الاسفيوش وثلث وزنات سكر وقال غيره»

۲۸-۳. بدیغورس، بند ۵-۲۶: الطباشير؛ خاصته النفع من الحرارة والمرة الصفراء وبدله ثلثي وزنه من حب القثاء وأربع وزنات من الاسفيوش وثلث وزنات سكر.

۲۹. صبر

۲۹-۱. رازی، شماره ۱۰۶: صبر؛ قال ابن ماسويه بدله من الحضض مثله سواء.

۲۹-۲. رازی، شماره ۱۰۷: قسط؛ قال ابن ماسويه بدله نصف وزنه عاقرقرا. ۲۹-۳. الاعتماد، گ ۴۵ آ س ۱۷ | قسط: «وقال في كتاب الأبدال بدل القسط وزنه من جوز شجرة القطران و حكي الرازي عن ابن ماسوية إن بدل القسط مثلاه من الحضض وقال غيره بدل القسط نصف وزنه عاقرقرا و بدل دهن القسط دهن ايرسا»

۲۹-۴. القانون، ۴۱۶/۱ س- | صبر: «بدله مثلاه حضض».

منظور ابن جزار از کتاب الابدال، آثار بدیغورس و رازی نیست. گویا در دست‌نویس او اشکالی وجود داشته که بر اثر آن بدلی را که رازی به نقل از ابن ماسویه برای صبر یاد کرده، مربوط به مدخل بعدی ابدال رازی، یعنی قسط دانسته و شاید همین اشتباه موجب شده است که ابن جزار، بدلی را که رازی از ابن ماسویه برای قسط

آورده به «غیره» نسبت دهد. این نکته نیز شایان توجه است که ابن جزار و ابن سینا به جای «مثله سواء»، «مثلاه» آورده‌اند.

۳۰. جنطیانا

۳۰-۱. رازی، شماره ۲۵: جنطیانا؛ قال بولس بدله أصل کرفس رومي وبدله في اذابة الورم الصلب في الكبد والطحال وزنه ونصف وزنه اسارون ونصف وزنه قشور الکبر.

۳۰-۲. الحاوی، ۹۰/۷ س ۱۲: وقال بديغورس: خاصّة الجنطیانا تحلّیل الورم من الکبد.

۳۰-۳. الاعتماد، گ ۴۶ آ س ۶ | جنطیانا: «وإذا عدم جنطیانا جعل بدله اسارون وقال الرازي قال بولس [في الاصل: فولس] بدل الجنطیانا أصل الكرفس الرومي وفي اذابة الورم من الكبد والطحال بدله وزنه [و] نصف وزنه من اسارون ونصف [وزنه] من اصول الکبر»

۳۰-۴. بديغورس، بند ۳-۳: الجنطیانا؛ وخاصته تفتيح السدد واذابة الأورام من الكبد والطحال وبدله وزنه ونصف وزنه اسارون وثلي وزنه حلبة.

۳۰-۵. القانون، ۲۸۳/۱ س ۶- | جنطیانا: «مثله و نصفه اسارون ونصف وزنه قشور أصل الکبر»

۳۰-۶. الجامع، ۱/ س | جنطیانا: «الرازي: وبدله في اذابة الورم الصلب في الكبد والطحال وزنه ونصف وزنه من الأسارون ونصف وزنه من قشور الکبر. وقال إسحاق بن عمران: بدله وزنه من الأسارون.» از عبارت وفي اذابة ... تا پایان، کمابیش نظر بديغورس است که البته رازی آن را ویراسته و به همین مناسبت بدون یادکرد نام او در پی نظر بولس آورده و ابن جزار نیز همه این مطلب را از آن بولس پنداشته است

۳۱. دارصینی

۳۱-۱. رازی، شماره ۲۸: دارصینی؛ قال جالینوس في تدبير الأصحاء اني استعمل بدل الدارصینی في ايارج فيقرا سليخة فائقة والسليخة الفائقة تقرب قوتها من الدارصینی و اما الدارصینی الفائق فانه اقوى من السليخة الفائقة و لكني استعمل السليخة الفائقة بدله ضرورة متى لم اجده. وقال في الميامر ان فرانيطس كان يستعمل بدل الدارصینی ضعفه كبابة وقال ابن

ماسویه بدله مثل وزنه سلیخه مقشرة. وقال في الادوية المفردة ومن الناس من يلقى في المعجونات بدل الدارصيني ضعفه ابهل لأنّ الابهل يلفظ ويحلل وينبغي ان لا يستعمل هذا البديل للحبالی وقال دیسکوریدوس ان لم يوجد السليخة فليجعل في الادوية ضعفها دارصيني.

۳۱-۲. الاعتماد، گ ۴۸ آ س ۱۰ | دارصيني: «و إذا عدم الدارصيني جعل بدله قشور السليخة هذا قول جالينوس وزعمت اقلا وبطره و تياذوق إن بدله إذا عدم وزنه خولنجان. و حكي في كتاب الأبدال عن بديغورس (في الأصل: بديغورابه) قال بدله وزنه عاقرقرا وقال الرازي قال جالينوس في تدبير الأصحاء استعمل بدل الدارصيني في ايارج فيقرا سليخة فيقة»

۳۱-۳. بديغورس، بند ۱-۳: ونحوه الدارصيني الذي بدله بوزنه وسدس وزنه عاقرقرا وأشياء كثيرة نحو هذه الأدوية إذا الفت ادت خاصة ذلك الدواء.

۳۱-۴. القانون، ۲۸۹/۱ س ۴- | دارصيني: «بدله قشور السليخة القابضة أو ضعفه كباية أو ضعفه أبهل.»

ابوزيد ارجانی

کتابی در داروشناسی از فردی به نام ابوزید ارجانی یکی از مهمترین منابع ابوریحان در نگارش الصيدنة است. نکته جالب در مورد وی آن است که تقریباً تمامی استندهای ابوریحان به ارجانی در باره ابدال (الصيدنة، شماره ۳۶۳، ۳۸۰، ۳۸۸، ۴۲۹، ۷۴۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۸۲۳، ۸۳۹) به ترتیب ذیل خاوندان، خیارشیر، خریق، درونج، حب الغار، فراسیون، فریون، قردمانا، قسط) کلمه به کلمه در رساله رازی آمده است که می‌توان آن را نشانه بهره‌گیری ارجانی از رساله رازی دانست.

احتمال درستی فرض وجود منبع/منابع مشترک برای این دو بسیار ضعیف است زیرا در شماری از این موارد، رازی تغییراتی در رساله بديغورس داده است که همان تغییرات در سخن ارجانی نیز دیده می‌شود. گاهی اوقات نیز رازی از منابعی چون بولس (حب الغار، مثال ۳۲)، ابن ماسویه (قسط، مثال ۲۷) یا جالینوس (رازی، شماره ۹۷: فریون) بدلی را نقل می‌کند که در الصيدنة به خود ارجانی منسوب است. احتمال درستی دیگر حالت ممکن یعنی بهره‌گیری رازی از ارجانی نیز بعید است. زیرا گذشته از دلیل یاد شده در بند پیشین، رازی در الحاوی نیز (به رغم آنهمه استندهای پرشمار) به ارجانی ارجاع نداده است. پس می‌توان روزگار ابوزید ارجانی

را به پس از رازی و پیش از نگارش الصيدنة (یعنی سده ۴ ق و ربع نخست سده ۵ ق) محدود کرد.

۳۲. حب الغار

۳۲-۱. رازی، شماره ۱۲۳: غار؛ قال بولس بدل ورق الغار ورق النمام الیابس.

۳۲-۲. الصيدنة، ۷۴۶ | حب الغار: «الارجاني: بدل ورقه النمام الیابس. ابن ماسویه: دهن الغار بدله مرتین حب الغار و مرة فستق.»

۳۲-۳. القانون، ۴۶۸/۱ س ۵- | غار: «بدله ورق النمام.»

ابن سینا در کتاب دوم القانون (= الادویه المفردة)

ابن سینا در القانون از آثار رازی و از جمله ابدال بهره بسیار برده است بی آنکه هرگز از او یاد کند. او بیشتر بدل های مذکور در رساله ابدال را در کتاب دوم القانون (= ادویه مفردة) آورده است. البته شماری از مدخل های ابدال رازی در این کتاب مدخل نشده اند (مانند داروهای ناشناخته یا مشکوک انداهیمان، افدر، عروق، زرداسفرم، حافر؛ مثال های ۳، ۵، ۹، ۱۸، ۱۹) و در برخی موارد نیز ابن سینا هیچ بدلی یاد نکرده است (مانند خسرودارو، دفلی، افتمون، زرین درخت، عاقرقرا، راوند و هشت دهان؛ مثال های ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۱، ۲۲، ۲۶).

ابن سینا ذیل آزاددرخت (مثال ۴) بدل هایی بیش از آنچه در رساله رازی آمده است یاد می کند و در مواردی نیز (مانند شاهترج، مثال ۱۱) تفاوت میان بدل ابن سینا و رازی، احتمالاً ناشی از اشکالات دست نویس های قانون، یا دست نویسی از ابدال رازی بوده است که ابن سینا در اختیار داشته است.

ابوریحان بیرونی در صیدنه

بیرونی بارها در مورد بدل داروها به رازی استناد کرده و گاه هر دو دیدگاه های بولس و ابن ماسویه را در این باره نقل کرده اند. در شمار قابل توجهی از این موارد، اشکالاتی در متن الصيدنة دیده می شود که به لحاظ وجود فقط یک دست نویس از این اثر، رفع آنها ممکن نبوده است. در نتیجه می توان از رساله ابدال رازی به عنوان متنی موازی برای تصحیح الصيدنة سود جست.

در برخی موارد چنین می نماید که ابوریحان دست نویسی مفصل تر از دست نویس های کنونی ابدال رازی دسترسی داشته است. مثلاً درباره ابله (مثال ۲)

همچنان که گفته شد به نکاتی اشاره می‌کند که در رسالهٔ بدیغورس (مأخذ رازی) بوده اما در دست‌نویس‌های کنونی نیامده و ابوریحان دیگر بار آن را با استناد صریح به رازی یاد کرده است. استناد ابوریحان ذیل غاریقون (شمارهٔ ۷۴۵ | غاریقون: «الرازی... قال بدله فربیون») نیز در متن کنونی ابدال رازی دیده نمی‌شود. البته احتمال ضعیف‌تر آن است که ابوریحان بخش‌هایی از رسالهٔ بدیغورس را به دلیل شباهت بسیاری از مداخل، رسالهٔ رازی انگاشته باشد، هرچند که تفاوت ساختار این دو رساله، چنین احتمالی را ضعیف می‌نمایاند.

از برخی استنادهای ابوریحان می‌توان دریافت که او روزگاری دست‌نویسی مغلوپ و آشفته از ابدال رازی داشته اما گویا بعدها دست‌نویسی بهتر به دستش رسیده است. مثلاً وی هنگام نگارش مدخل بذاشغان (الصیدنة، شمارهٔ ۱۳۶، فقط در ترجمهٔ فارسی برجای مانده است)، نظری را به ابن ماسویه، ابن ماسه و رازی نسبت می‌دهد که در رسالهٔ ابدال رازی نیامده است. سپس ذیل «بوسکان» (الصیدنة، شمارهٔ ۱۸۶)، با استناد به رازی مدخل بذشکان رازی (شمارهٔ ۱۷) را از قول او یاد می‌کند و توجه نمی‌کند که «بوسکان» همان بذاشغان است. او همچنین بدل درونج (رازی، شمارهٔ ۳۲) را با استناد به رازی، به اشتباه ذیل دارفلفل (الصیدنة، شمارهٔ ۴۱۳) یاد می‌کند در حالی که رسالهٔ رازی چنین مدخلی ندارد. ابوریحان همین بدل را یک بار دیگر این بار در جای درست یعنی ذیل درونج (الصیدنة، شمارهٔ ۴۲۹) اما این بار به نقل از ارجانی یاد می‌کند.

البته همهٔ این اشکالات را می‌توان به آشفتگی بسیار متن موجود الصیدنة نیز نسبت داد. یکی از آشفتگی‌های چشمگیر در اینجا یاد می‌شود.

۳۳. زوفا رطب

- ۳۳-۱. رازی، شمارهٔ ۵۱: زوفا رطب؛ قال ابن ماسویه بدله مخ ساق البقر.
 ۳۳-۲. الصیدنة، ۵۰۷ | زوفا: «ابن ماسویه ... الرازی عنه: بدل الزوفا الرطب مخ البقر وربع وزنه سنبل وسدس وزنه قشور السلیخة. ... بولس: بدله مخ عجل و قال ایضا لحاء شجر التوت. دیسقوریدس: اصوفس. ابن ماسویه: بدل الزوفا الرطب مخ البقر»
 توضیح پس از شواهد بند ۳۴ آمده است.

۳۴. زعفران

۳۴-۱. رازی، شماره ۵۲: زعفران؛ قال بدیغورس بدله مثل وزنه قسط وربع وزنه سنبل وسدس وزنه قشور السليخة.

۳۴-۲. الصيدنة، ۴۹۸ | زعفران: «رازی: بدله مثل وزنه قسط وربع وزنه سنبل وسدس وزنه قشور السليخة».

ابوریحان این بار نیز با آنکه رازی از بدیغورس نام برده، از او یاد نکرده است (نگاه کنید به شرح مدخل پیشین)

۳۴-۳. القانون، ۳۰۷/۱ س ۹ | زعفران: «بدله مثل وزنه قسط وربع وزنه قشور السليخة».

الجامع، ۱۶۳/۲ س ۶- | زعفران (= لکله، شماره ۱۱۱۰): «الرازی: فی کتاب ابدال الأدوية: وبذل الزعفران إذا عدم وزنه من القسط ووزنه من حب الأترج وربع وزنه من السنبل وسدس وزنه من قشر السليخة. قال بعض الأطباء: بدله وزنه مرتین من خلطه وهو ثفل دهنه».

گویا در دست‌نویسی از ابدال رازی که بیرونی زمانی از آن بهره می‌برده چند واژه نخست مدخل بعدی ابدال رازی یعنی: «زعفران؛ قال بدیغورس بدله مثل وزنه قسط» افتاده بوده است. در نتیجه بیرونی ادامه عبارت مربوط به بدل زعفران (یعنی: وربع وزنه سنبل وسدس وزنه قشور السليخة) را بدلی دیگر برای زوفا رطب دانسته است. شگفت آنکه بیرونی در ادامه بدل درست را قاعدتاً این بار مستقیماً از ابن ماسویه نقل کرده و ذیل مدخل زعفران نیز بدل زعفران را به درستی از رازی نقل کرده است.

شاید بیرونی این دو مدخل را در دو مقطع زمانی متفاوت نوشته است. «زوفا رطب» را از نسخه‌ای دارای افتادگی در آغاز مدخل زعفران و «زعفران» را از نسخه‌ای که دست کم در این موضع افتادگی نداشته نقل کرده است و شاید این آشفتگی در یادداشت‌های خود ابوریحان رخ داده است.

در متن چاپی ترجمه صیدنه، بدل زوفا رطب ذکر نشده (صیدنه فارسی | ۳۹۰ | زوفا:) اما بدل زعفران چنین آمده است: صیدنه فارسی، ۳۸۲ | زعفران: «بدل او در ادویه همسنگ او قسط است و یک جزو از چهار جزو او سنبل است و یک جزو از شش جزو اوست سلیخه».

عجل هم به نرمه ساق پا و هم به گوساله گفته می‌شود. پس مخل عجل همان مخ گوساله است یعنی در این مورد بدلی که ابن ماسویه یاد کرده همان بدل بولس است.

پس ابوریحان در نتیجه اشتباهی که بدان اشاره شد این بدل را سه بار دیگر تکرار کرده است. نخست به واسطه رازی از ابن ماسویه، سپس به نقل از بولس و بار سوم این بار مستقیماً از خود ابن ماسویه. و علت نقل مستقیم و به واسطه از ابن ماسویه آن بوده که میان آنچه خود در رساله ابدال ابن ماسویه یافته بوده، و آنچه که گمان می‌کرده رازی از ابن ماسویه نقل کرده، تفاوت آشکاری وجود داشته است.

ابومنصور موفق هروی در الابنیه عن حقائق الادویه

ابومنصور موفق هروی در این کتاب بارها از دیدگاه‌های رازی بهره برده اما جز در موارد انگشت‌شمار از رازی یاد نکرده است که هیچ یک از این موارد نیز مربوط به بدل‌ها نمی‌شود. شماری از بهره‌گیری‌های ابومنصور از ابدال رازی در شواهد مربوط به افستین، آذارخت، اسارون، افیمون و زرین‌درخت (مثال‌های ۱، ۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷) آمده است. جالب‌ترین نمونه، مثال اسارون است که در ضمن آن ابومنصور (یا شاید اسدی طوسی، کاتب دست‌نویس کهن الابنیه) نام بدیغورس را بازنشناخته و به جای آن دیسقوردیوس آورده است.

ابن بیطار در الجامع

ابن بیطار ۴۶ بار درباره بدل داروهای مختلف به رازی استناد کرده است که از این میان ۲۵ بار نیز به نام کتاب ابدال الادویه تصریح دارد.

استنادهای نادرست

نکته جالب توجه آنکه شماری از این استنادهای ابن بیطار به رازی را در ابدال رازی نمی‌توان یافت. این استنادهای نادرست را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. ۵ بدل که در اصل از ابدال بدیغورس نقل شده‌اند و ابن بیطار آنها را اشتباهاً برگرفته از ابدال بدیغورس دانسته است: الجامع، ۱/۱۱۹ س ۳ | بنج، ۱/۱۴۵ س ۱۰ - | توتیا، ۴/۱۱۰ س ۱۸ | لک، ۴/۱۸۲ س ۲۴ | نفط، ۴/۱۸۵ س ۱۴ | نوشادر (لکله)، شماره ۳۵۶، ۴۳۷، ۲۰۳۶، ۲۲۳۰، ۲۲۴۱) از این میان ذیل بنج و لک به نام رساله ابدال رازی نیز تأکید شده است. رساله ابدال رازی هیچ یک از این ۵ مدخل را ندارد.
۲. دو بدل که در رساله ابدال منسوب به ماسرجویه جندی‌شاپوری دیده می‌شوند اما معلوم نیست که ابن بیطار آنها را در همان رساله دیده باشد: الجامع،

۱۰۹/۱ س ۱۳ | بلسان، ۲۳/۲ س ۶- | حصرم (لکله، شماره ۳۳۶، ۶۷۹).
رازی مدخل حصرم ندارد.

۳. یکی از دو بدل یاد شده برای جوز بوا (۱۷۵/۱ س ۲۲ | جوز بوا=لکله، شماره ۵۲۶: «الرازی: و بدل جوزبوا إذا عدم وزنه من البساسة وقال مرة أخرى...» که معلوم نیست ابن بیطار آن را از کدام اثر رازی (یا دیگری) آورده است. اما آنچه پس از «وقال مرة أخرى» آمده همان نظر رازی است.

۴. ۸ بدل ذیل بلوط، جرجیر، جوز، جوزالقی، زرنیخ، طالیسفر، ورل و بیروح در حالی که رساله رازی چنین مدخل‌ها یا بدل‌هایی ندارد. منبع ابن بیطار در این ۸ مورد یافت نشد.

ارجاع به روایتی مفصل‌تر از ابدال یا اثری دیگر از رازی؟
شماری از ارجاعات ابن بیطار به رازی نیز می‌تواند نشانه‌ای از وجود دست‌نویس مفصل‌تر از ابدال رازی باشد.

آنچه ابن بیطار (الجامع، ۵۱/۱ س ۸- | اکتیمکت=لکله، شماره ۱۳۰) درباره ماهیت اکتیمکت به ابدال رازی (شماره ۱) نسبت داده در دست‌نویس‌های این اثر دیده نمی‌شود. شاید ابن بیطار آن را در کتابی دیگر از رازی دیده بوده و به اشتباه آن را به نقل قول از ابدال رازی نسبت داده است.

ارجاع به رازی برپایه استنباط
ابن بیطار ذیل بنفسج (الجامع، ۱۱۵/۱ س ۱۲=لکله، شماره ۳۵۳) به نقل از رازی «أصول السوس» را بدل آن دانسته است. ابدال رازی مدخل بنفسج ندارد اما او بدل برسیاوشان (شماره ۲۰) را «وزنه بنفسج و ورق السوس أو أصوله نصف وزنه» دانسته و گویا ابن بیطار بر همین اساس چنین بدلی را به او نسبت داده است.

کوتاه نوشت منابع

الاعتماد = ابن جزار، احمد، الاعتماد في الأدوية المفردة، چاپ تصویری از روی نسخه خطی شماره ۳۵۶۴ کتابخانه ایاصوفیا، به کوشش فواد سزگین، فرانکفورت، ۱۹۸۵. در ارجاع به این اثر شماره برگ و سطر (در صورت لزوم)، نشانه « | » و سپس عنوان مدخل مورد نظر آمده است.

الجامع = ابن بیطار، الجامع لمفردات الأدوية و الأغذية، بولاق، ۱۲۹۱ق. در ارجاع به این اثر، شماره جلد، صفحه و سطر این چاپ، ، نشانه « | » و سپس عنوان مدخل مورد و سرانجام شماره هر مدخل در ترجمه فرانسوی لوسین لکلر آمده است (نگاه کنید به فهرست منابع لاتین)

الحاوی = رازی، محمد، الحاوی فی الطب، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۴-۱۳۹۰ق/۱۹۵۵-۱۹۷۰ش. در ارجاع به این اثر شماره جلد، صفحه (و گاه سطر) آمده است. در جلدهای ۲۰ و ۲۱ (بخش داروشناسی) شماره مدخل و عنوان آن نیز افزوده شده است. در ارجاع به این کتاب شماره جلد و صفحه چاپ جدید الحاوی نیز ذکر شده است.

الصیدنة: ابوریحان بیرون، الصیدنة فی الطب، به کوشش عباس زریاب، تهران، ۱۳۷۰. در ارجاع به این مأخذ شماره صفحه، شماره مدخل، نشانه « | » و سپس عنوان مدخل مورد نظر آمده است.

القانون = ابن سینا، القانون فی الطب، بولاق، ۱۲۹۴ق. در ارجاع به این اثر، شماره جلد، صفحه و سطر این چاپ، ، نشانه « | » و سپس عنوان مدخل مورد نظر آمده است.

منابع

ابن جزله، منهاج البیان فی ما يستعمله الانسان، به کوشش محمود مهدی بدوی، قاهره: جامعة الدول العربية، ۱۴۳۱ق.

ابومنصور موفق بن علی هروی، الابنية عن حقایق الادوية، به تصحیح احمد بهمنیار و به کوشش حسین محبوبی ادرکائی، تهران، ۱۳۴۶ش.

اصطفی بن بسیل، ترجمه کهن هیولی الطب دیوسکوریدس، به کوشش دوبلر، تطوان، ۱۹۵۲م.
بدیغورس، ابدال الادوية المفردة والاشجار والصبوغ والطین، پژوهش و ویرایش یونس کرامتی
(بر اساس دست‌نویس‌های شماره ۳/۳۵۷۲ و ۷/۴۸۳۸ کتابخانه ایاصوفیا)، ضمیمه
جایگزینی داروهای ساده ... (نک کرامتی در همین مآخذ).

جرجانی، اسماعیل، الاغراض الطبية و المباحث العلائیة، چاپ تصویری نسخه خطی شماره
۴۸۵۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به کوشش پرویز ناتل خانلری، تهران،
۱۳۴۵ش؛ همو، خفی علایی، به کوشش علی اکبر ولایتی و محمود نجم آبادی، تهران،
۱۳۷۷ش؛ همو، ذخیره خوازمشاهی، چاپ تصویری نسخه خطی بنیاد فرهنگ ایران، به
کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، ۱۳۵۵ش؛ همو، یادگار، به کوشش مهدی محقق،
تهران، ۱۳۸۱ش.

الحاوی فی الطب، حیدرآباد دکن، چ اول، ۱۳۷۴-۱۳۹۰ق/۱۹۵۵-۱۹۷۰م).
رازی، محمد بن زکریا، ابدال الادوية، پژوهش و ویرایش یونس کرامتی بر اساس ۵ دست‌نویس،
ضمیمه جایگزینی داروهای ساده ... (نک کرامتی در همین مآخذ).

عطار هارونی، داود، منهاج الدکان و دستور الاعیان فی اعمال و تراکیب الأدوية النافعة للأبدان،
به کوشش حسن عاصی، بیروت، ۱۹۹۲م.

قلانسی سمرقندی، محمد بن بهرام، أقرباذین، به کوشش محمد زهیر البابا، حلب: معهد التراث
العلمی العربی، ۱۴۰۳ق.

کاسانی، ابوبکر، ترجمه کهن فارسی الصيدنة فی الطب بیرونی، به کوشش منوچهر ستوده و ایرج
افشار، تهران، ۱۳۵۸ش.

کرامتی، یونس، «بدیغورس»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، جلد ۱۱، تهران، ۱۳۸۱،
صص ۵۹۹-۶۰۲.

همو، جایگزینی داروهای ساده در سنت داروشناسی|داروسازی دوره اسلامی، پایان‌نامه برای
دریافت درجه دکترای تاریخ علم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
۱۳۹۲ش.

